

در دانشگاه تهران، علیرغم تهدید چماقداران

هزاران دانشجو علیه حزب الله تظاهرات کردند

صورت گرفت و هر چند توضیح رسمی درباره آن داده نشد، اما به نظر می‌رسد به دستور مقامات بالای رژیم صورت گرفت.

مقابله دانشجویان با حزب الله

حمله ۱۹ مهر ماه انصار حزب الله با واکنش تند، گسترده و پیش بینی نشده‌ای روبرو شد و این واکنش‌ها دانشگاه تهران را در ناآرامی و تشنج فرو برد. بسیاری از دانشجویان اسلامی و سایر محافل وابسته به حکومت به دفاع از عبدالکریم سروش برخاستند و صف آرای شدیدی در حکومت پیرامون این تهاجم شکل گرفت.

بقیه در صفحه ۲

پشت پرده انصار حزب الله

در صفحه ۲

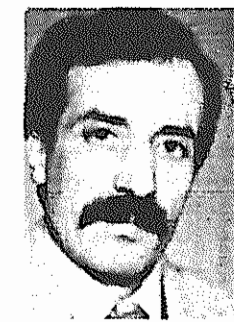
- حمله ۱۹ مهر حزب الله به دانشگاه تهران، با اعتراض کم سابقه‌ای مواجه شد
- دانشجویان با شعار «مرگ بر فاشیسم» به مقابله با چماقداران برخاستند
- یکی از فرماندهان نیروهای انتظامی: «بارها از ستاد نیروهای انتظامی کسب تکلیف شد، هر بار دستور آمد از دخالت در ماجرا خودداری شود»

روز یکشنبه گذشته هزاران نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، در دانشگاه تهران گرد آمدند و به یک تازی و تاخت و تاز حزب الله در این دانشگاه در روز ۱۹ مهر، برهم زدن سخنرانی دکتر عبدالکریم سروش و ضرب و شتم وی و دانشجویان، اعتراض کردند. تعداد تظاهرکنندگان نزدیک به هفت هزار تن گزارش شده است. تظاهرات در دانشگاه تهران به دعوت انجمن اسلامی این دانشگاه صورت گرفت، اما چندین هزار دانشجویی به سوت آمده از چماقداری نیز در آن شرکت

کردند. این انجمن هدف تظاهرات دفاع از سنگر دانشگاه انقلاب نامید و در اطلاعیه‌ای که به این مناسبت انتشار داد، از جمله نوشت: دانشگاه باید محل امنی برای برخورد عقاید باشد ولی با کمال تأسف این امکان از دانشجویان سلب گردیده است و رویداد روز چهارشنبه ۱۹ مهر، تهدیدی جدی برای ایجاد سکون در دانشگاه است.

دانشجویان تظاهرات خود را برای روز چهارشنبه هفته گذشته اعلام کرده بودند، اما گروه انصار حزب الله که روز ۱۹ مهر به

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره آدم ربایی رژیم جمهوری اسلامی
رفیق علی توسلی عضو سابق کمیته مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت) راربود



جزئیات
توطئه آدم ربایی رژیم
در باکو

در صفحه ۵

مجلس برای مجازات مردم قانون تازه‌ای تصویب کرد

- هر کس به خمینی «توهین» کند، به ۶ ماه تا دو سال زندان محکوم خواهد شد
- برای فعالیت سیاسی کسانی که «معارض و معارض» نباشند، از دو تا ده سال زندان در نظر گرفته شده است

در صفحه ۳

شیوع گسترده بیماری وبا در تبریز

چند سال پیش در منطقه یوسف آباد که در پای کوه‌های ایوان زینال شهر تبریز قرار دارد نوعی وبا - التور - دیده شد. مسئولان بهداشت به توصیه استانداری به طور مخفیانه به بررسی آن منطقه پرداختند و متوجه شدند که بیماری ناشی از آب و فاضلاب همان منطقه و دره‌های مدفوع جاری در آنها است. پس از بررسی‌های پنهانی به این نتیجه رسیدند که لوله آب در داخل کانال فاضلاب قرار دارد و به مرور زمان پوسیده است و هنگامی که فشار آب کم است، فاضلاب و مدفوع وارد لوله می‌شود. قربانیان آن سال، پشت دیوار سکوت خاک شدند و انسانهایی هم که پس از تحمل بیماری مهلک از جنر مرگ نجات یافتند هرگز نفهمیدند که چگونه به دام ویروس وبا افتادند.

وبای التور بار دیگر به سراغ بقیه در صفحه ۴

- مسئولین نسبت به شیوع این بیماری مهلک سکوت کرده‌اند
- آب آشامیدنی به میکروب التور - شبه وبا آلوده است



آب آلوده آشامیدنی - عامل اصلی بیماری شبه وبا

گفته‌هاوشنیده‌ها درباره انتخابات مجلس پنجم

محتشمی: شرکت نمی‌کنیم

علی اکبر محتشمی یکی از سردمداران جناح حزب اللهی مخالف دولت و حکومت رسالتی‌ها، در گفتگویی با هفته نامه کیهان هوایی، شایعات و خبرهای پراکنده در مورد عدم شرکت مجمع روحانیون مبارز در انتخابات مجلس را تایید کرد و گفت که این مجمع در انتخابات کاندیدی معرفی نخواهد کرد. وی گفت: «صلاح نیست ما کاندید معرفی کنیم و شورای نگهبان صلاحیت آنها را رد کند و بعد مجبور شویم به شورا اعتراض کنیم که برخورد شما اصولی نبوده است یا اینکه خطی

بقیه در صفحه ۳

روحانیت مبارز رای دهند.

سخیان او در مورد ممنوعیت نهضت آزادی، اعتراض کسی از حکومتیان را برنینگت، اما جانبداری او از جامعه روحانیت مبارز با عکس العمل تند نیروهای مخالف رسالت در درون حکومت مواجه شد. مخالفین بر این نکته انگشت گذاشتند که وی در مقام عضو شورای نگهبان حق ندارد به نفع جریانی تبلیغ کند. زوارهای او خودشان کاندید شوند و در صورت تایید در انتخابات شرکت کنند، ولی به صورت حزب یا تشکیلات نمی‌توانند شرکت کنند زیرا از نظر قانون به رسمیت شناخته نشده‌اند. زوارهای در این گفتگو از مردم دعوت کرد به کاندیداهای جامعه

نهضت آزادی اجازه شرکت ندارد

رضا زوارهای عضو جدید حقوقدانان شورای نگهبان و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک، در گفتگویی با روزنامه انگلیسی زبان «ایران نیوز» بار دیگر تاکید کرد که به نهضت آزادی اجازه شرکت در انتخابات داده نخواهد شد. وی گفت: «نهضت آزادی می‌تواند به صورت منفرد و خارج از تشکیلات خودشان کاندید شوند و در صورت تایید در انتخابات شرکت کنند، ولی به صورت حزب یا تشکیلات نمی‌توانند شرکت کنند زیرا از نظر قانون به رسمیت شناخته نشده‌اند». زوارهای در این گفتگو از مردم دعوت کرد به کاندیداهای جامعه

اکثریت اعضای جدید هیئت منصفه مطبوعات از جناح رسالت اند

معاون مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت ارشاد جمهوری اسلامی اسامی اعضای جدید هیات منصفه مطبوعات را اعلام کرد. این هیات نقش داوری را در دادگاه مطبوعات بر عهده دارد که شکایات مطبوعات از هیات دولتی نظارت بر مطبوعات به آن ارجاع می‌شود. از جمله چهره‌های جدیدی که نام آنها در میان اسامی اعضای هیات منصفه دیده می‌شود، حبیب الله عسکر اولادی از سران جناح رسالت است. به نوشته روزنامه سلام، اکثریت سایر اعضای جدید نیز وابسته به همین جناح‌اند. با اعلام انتخاب اعضای جدید، این نگرانی در میان روزنامه‌نگاران قوت گرفته است که فشار بر مطبوعات افزایش یابد و آنها از این امکان که با شکایت به دادگاه، خودسریهای هیات دولتی نظارت را تعدیل کنند نیز محروم شوند. ناظران می‌گویند اکنون ترکیب هیات نظارت و هیات منصفه هماهنگ است و رسالتی‌ها که با روی کار آمدن مصطفی میرسلیم به عنوان وزیر ارشاد در این وزارتخانه نفوذ خود را گسترش داده‌اند، در هر دو هیات دست بالا را دارند. بدین ترتیب مدیران مطبوعات مستقل و مطبوعات جناحهای مخالف داخل رژیم در آینده ناچارند سانسور و کنترل توسط وزارت ارشاد را به جان بخرند تا مبادا کارشان به داوری امثال عسکر اولادی بکشد.

بقیه در صفحه ۳

"قانون امنیتی" برای حکومتی که نگران امنیت خود است

مجلس شورای اسلامی قانون "مجازات اسلامی برای جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی" را تصویب کرد. این قانون، مجازات متهمانی را تعیین می‌کند که از نظر جمهوری اسلامی، «معارض» یا «معارض» نیستند اما به دلیل مخالفت با رژیم باید به زندان و شلاق محکوم شوند. بر طبق قانون مصوب مجلس کسانی که به مقدسات اسلام و یا خمینی «توهین» کنند، به ۳ ماه تا ۲ سال زندان محکوم می‌شوند. تشکیل و اداره احزاب و جمعیت‌هایی که هدفشان به تعبیر قانون مذکور «بر هم زدن امنیت جمهوری اسلامی» باشد، ۲ تا ۱۰ سال زندان خواهند شد. کسانی که به عضویت این گروه‌ها درآیند یا علیه جمهوری اسلامی و به نفع گروه‌های سیاسی تبلیغ کنند، به مجازات‌هایی که می‌تواند ۵ سال زندان باشد، محکوم خواهند شد.

تا کنون رژیم ولایت فقیه مانند بسیاری از دیگر رژیم‌های دیکتاتوری مدعی بود که زندانی سیاسی ندارد و همه مخالفانی که در زندان‌های جمهوری اسلامی اسیرند، یا جاسوس‌اند یا محارب و معارض. با تصویب قانون جدید، اتهاماتی مانند «توهین به مقدسات»، «قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی»، «جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی‌شده»، «همکاری با دولت‌های خارجی»، «تشکیل جمعیت در داخل یا خارج کشور با هدف بر هم زدن امنیت حکومت اسلامی» و «تبلیغ علیه نظام اسلامی و یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف به هر نحو»، کافی است تا به استناد آن بتوان افراد را به شلاق و زندان تا ده سال محکوم کرد.

تصویب قانون جدید به ابتکار دولت صورت گرفته است اما کمیسیون مربوطه مجلس شورای اسلامی بر حدت و شدت مجازات پیش‌بینی شده در قانون افزود. قانون مصوب، آن قدر سرکوبگرانه است که حتی اعتراض معدودی از نمایندگان مجلس را نیز برانگیخت. مهدی رهبری املشی در بحث مجلس پیرامون این قانون گفت: «نمی‌دانم چه قصدی در میان است که پیوسته مجازات را تشدید می‌کنند... مثلاً در طرح دولت، حداقل محکومیت سه ماه بود اما کمیسیون آن را دو سال تعیین کرد».

ممکن است در نگاه اول، در رژیمی که هزاران تن از مخالفان خود را به قتل رسانده است و کماکان جوخه‌های اعدام و ترور و آدم‌ربایی‌اش در داخل و خارج از کشور به کارند، تعیین ده سال زندان برای جرایم سیاسی امری خارق‌العاده جلوه نکند. اما در قانون جدید جا به جا تاکید شده است که حساب «معارض و معارض» جداسازی و لبه تیز قانون متوجه مابقی مخالفان است. از مردم به جان رسیده‌ای که در صف تهیه مایحتاج خود، لعن و نفرین نصب خمینی می‌کنند گرفته تا هر گروه و دسته‌ای که از نظر حکام، قصد تبلیغ علیه حکومت را داشته باشد. شتاب دولت و مجلس در گذراندن این قانون نشان می‌دهد که رژیم می‌خواهد هر چه زودتر همه امکانات سرکوب را از امکانات فیزیکی مانند بسیج و سپاه گرفته تا امکانات حقوقی مانند قانون به کلوه بستن خیزش‌ها و قانون زندانی کردن مخالفان، آماده داشته باشد تا با هیچ مانع درونی در مواجهه با مخالفت‌های متشکل و غیرمتشکل روبرو نباشد. هر چند مأمورین سرکوب جمهوری اسلامی در ۱۷ سال اخیر نشان داده‌اند که در اجرای مأموریتشان هرگز پایبند قانون نبوده‌اند، اما رژیم جمهوری اسلامی می‌خواهد

بقیه در صفحه ۳

یادداشت

علیه آزادی، تا کی؟

در روزگاران گذشته گاهی پیش میآمد که سرداران برای پیش گیری از شکست پشت سر سپاهیان خود آتش روشن میکردند تا هرگونه راه عقب نشینی را ببندند و آنها را ناچار به حمله و پیشروی کنند گاهی هم پیش میآمد که خیره سرانی کار را واژگون کرده و به قصد منهدم کردن کامل دشمن آتش را پشت سرجهبه مخالف روشن میکنند و راه عقب نشینی را بر حریف میبندند اما شگرد سران جمهوری اسلامی از این دو پس شگفت تر و عقل عاجز کن تر است، چرا که اینان خود و مخالف خود هر دو را در محاصره آتش قرار میدهند و جز راه جدال و جنگ و نابودی، نه برای خود و نه برای مخالف خود راهی باقی نمیگذارند. این روش، اکنون که بحث کذابی انتخابات پیش آمده بار دیگر با شدت بیشتری به نمایش در آمده است. موضوع دیگر نه "محارب" و "منافق" که محارب و موافق رژیم است. محارمین و موافقینی که گاهی فهمیدن تفاوت آنها با نسخه های اصلی جاجوش کرده در کله حکومت کار از ما بهتران است. سیاستگذاران جمهوری اسلامی حلقه "انتخابات" کذابی را طوری تنگ کرده اند که به جز نامزد حضرت ولی فقیه و همیاران او جایی برای پا و پی هیچ بنی بشری پیدا نشود، چرا که گویا اگر یک به دو تبدیل شود ردخور ندارد که "اسلام" در خطر قرار میگیرد! اما همه مردم دیگر بخوبی میدانند که معنای خطر برای اسلام عبارت است از خطر برای سود و سودای آقایان. شما کلمه اسلام را بردارید و بجای آن بگذارید حکومت، آنگاه کلید رمز مجموع تبلیغات حکومتی پیدا میشود و هر بچه مدرسه ای از آن سر در میآورد.

شاید کسی بپرسد که وقتی ریش و پیچی هردو دست آقایان است دیگر چرا اینهمه خود را سبک میکنند و نعل "انتخابات" بر سم استبداد میکوبند؟ پاسخ از پرسش بسی روشن تر است. وقتی شالوده حکومتی بر تبلیغ و سرکوب باشد دیگر نمی آید بگوید که ماست من ترش است، بر عکس، او زهر کژدم را در سوهان قم میکند و بزور قهقه تا ته حلقوم "امت اصم" می تپاند و همان موقع که "طایفه مستضعف" از زور زهر به خرخر می افتد او به کرکر در میآید تا ترجمان "خوبختی" این "خلق خدا" باشد.

برای سنجش هرکاری میتواند میزانهایی در دست مردم باشد از این میان یکی هم نهضت آزادی و همطرازان آزادی خواه آن است که چگونگی برخورد حکومت با آنها به مردم این امکان را میدهد که قصد واقعی از تبلیغات پیرامون "انتخابات" را در یابند. اگر بپذیریم که نهضت آزادی از میان نیروهای جدی آزادیخواه کمترین فاصله و صلاح ترین برخورد را با جمهوری اسلامی داشته و دارد، و اگر در همین حال میزان تقابل حکومت با این نیروی و طن پرست را در نظر بیاوریم، آنگاه عمق انحصار طبیبی و استبداد بیشتر آشکار میشود. واقعیت این است که اگر سران جمهوری اسلامی آتی بخدمت بیایند و بخواهند برای نجات کشور از خطر ورشکستگی نهایی اقدامی پیش بگذارند اولین دری را که میتوانند بکوبند در خانه نهضت آزادی است. این نیرو تاکنون با بیشترین پیگیری تلاش کرده است که کمتر پا روی دم گرگ بگذارد و تا می تواند آهسته آهسته بود و آهسته بیاید تا گریه او را شاخ نزنند با این همه شاخ گریه و دندان گرگ تنها بهره آن از این تلاشهای خبرخواهانه بوده است. در آستانه انتخابات این دوره نیز برای چندمین بار تاکنون حکومت هر گونه راه شرکت نهضت آزادی، حزب ملت ایران و دیگر نیروهای ملی و آزادی خواه در انتخابات را بسته است.

سران جمهوری اسلامی تا کی میخواهند شیوه های سرکوبگرانه خود را به همین شکل ادامه بدهند؟ آیا آنها جز تراشیدن مداوم پیکر خود، منزوی شدن بیش از پیش و متراکم کردن دم افزون مخالفت و مقابله توده ای چه بدست میآورند؟ از بحث ماهیت و محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی که بگذریم، مگر اغلب سران حکومت ادعا نمیکند که در چارچوب این قانون آزادی احزاب تأمین شده است؟ چرا آنها این تفسیر خود را حتی شامل پاره های تن خود که امروز به روشهای آنها انتقاد میکنند نمیدانند؟

مسأله تنها قوانین نیستند. در هر کجای جهان چگونگی تفسیر قوانین نیز همواره دارای اهمیت عظیم بوده است. چنانچه حسن نیت و قصد خدمت باشد میتوان از قوانین بد هم تفاسیر بهتری ارایه داد، همانطور که کسانی چون آقایان طالقانی و منتظری در زمینه آزادی های سیاسی این کار را از آغاز کرده اند. کسانی از هواداران جمهوری اسلامی که احساس مسئولیتی در برابر سرنوشت ایران و ایرانیان بکنند بزودی در مییابند که اجرای بسیاری از قوانین موسوم به اساسی، اساس هستی این کشور را در معرض خطر قرار میدهند. چنین کسانی گاه میکوشند تا دست کم با تفسیرهای معتدل تری از شر و شرارت بکاهند. اما ساکنانداران اصلی جمهوری اسلامی گویا قصد کرده اند سکان را به قیمت غرق کردن همه کشتی در چنگ خود نگذارند و با این قصد همچنان به سفت کردن کمر استبداد مشغولند. اینکه چگونه آنها در دوران دانش اینگونه چشم بر همه واقعیات بسته اند و سود و سودای خود را فقط با استبداد کمر زده اند بیگمان یکی از عجایب دوران است. رهبران جمهوری اسلامی میکوشند همه اقدامات آزادی ستیزانه خود را زیر نام اسلام به مردم تحمیل کنند، در حالیکه اگر سر سوزنی حسن نیت در قبال مردم نشان دهند میتوانند سنتهای نیک اسلامی را سر مشق قرار دهند و اسلام را در برابر آزادی و انتخابات قرار ندهند و بیش ازاین خنجر دین بر کلوئی این ملت زخم خورده نگذارند. مردم ما باید بتوانند خود دولت و رهبران دولتی خود را تعیین کنند. مردم باید خود در باره سرنوشت امروز و آینده خود تصمیم بگیرند. ایران در آستانه فاجعه های هولناک تر سیاسی و اقتصادی قرار دارد. مردم باید بتوانند با همایش ملی و بسیج همه امکانات مادی و معنوی خود راه علاجی برای کشور پیدا کنند. جمهوری اسلامی تا کی میخواهد برابر خواست مردم بایستد؟ تا کی میتواند در برابر این خواست بایستد؟

هزاران دانشجو...

بقیه از صفحه اول

انجامید. دهها تن از دانشجویان بر اثر ضربات چاقو و پنجهبوکس به شدت مجروح شدند. در طول درگیری، مأموران انتظامی تنها ناظر صحنه زدوخورده بودند. در مورد علت عدم دخالت مأموران انتظامی در این رویداد یکی از فرماندهان آنان گفت: «بارها از ستاد نیروهای انتظامی کسب تکلیف شد، هر بار دستور آمد از دخالت در ماجرا خودداری شود». بنا به گزارش های رسیده، دانشگاه تهران تا پاسی از شب هم چنان مشتعل بود و کلاس های درس در دانشگاه فنی در روز پنجشنبه تعطیل بودند. بر اساس اطلاعیه انجمن اسلامی دانشکده فنی، انصار حزب الله همان شب پس از هجوم به دانشجویان، به دفتر انجمن اسلامی ریختند و به هتاکسی و ضرب و شتم آنان پرداختند.

روزنامه های کیهان، صبح، جمهوری اسلامی و رسالت و کسانی چون آیت الله جنتی و برخی از نمایندگان مجلس به جانبداری از حزب الله مقاله نوشتند و سخنرانی کردند. موحدی ساوجی نماینده مجلس شورای اسلامی در تائید سرکوب و تشدید اختناق در کشور گفت: «ن باید این تصور ایجاد شود که جمهوری اسلامی شرایطی ایجاد می کند که هر کس هر حرفی دلش خواست بزند اما هیچکس به آن پاسخ نمیگوید». یکی از فعالین حزب الله در گفتگو با کیهان حمله به دانشجویان را یک حرکت استراتژیک و ضروری خواند.

روزنامه سلام درباره اظهارات ساوجی نوشت: «متأسفانه بعد از رویدادهای ۱۹ مهر دانشکده فنی، سخنان این مقام - ساوجی - که نماینده مجلس در کمیسیون احزاب هم هست این مفهوم را پیدا می کند که اگر به شما حمله کردند و کشته نشدی، خدا را شکر کن و خیلی هم ممنون باش!».

در پی هجوم حزب الله به دانشکده فنی که منجر به ضرب و شتم و قطع سخنرانی سروش شد، وی ضمن بیان نظر خود پیرامون رویداد روز ۱۹ مهر برای مناظره با مخالفان اعلام آمادگی کرد. سروش

مأموران انتظامی ظاهرا حفاظت از سخنرانی را بر عهده گرفتند و گفته شد از ورود افراد غیر دانشجو به دانشکده فنی جلوگیری به عمل خواهد آمد. اما تهاجم آزادانه انصار حزب الله به مراسم سخنرانی و عدم دخالت مأمورین انتظامی نشان داد که هر دو گروه از یک جا دستور می گیرند. چماقداران با ارائه نامه از سوی دفتر خاتمه ای رهبر حکومت اسلامی که در آن حضور انصار حزب الله در دانشکده فنی پلامان اعلام شده بود، وارد دانشکده شدند و پس از ضرب و شتم دانشجویانی که در داخل ساختمان در حال رفت و آمد بودند با شعارهای حزب الله پیرو است، مرگ بر ضد ولایت فقیه، ما همه سرباز توایم خاتمه ای، گوش به فرمان توایم خاتمه ای، به داخل تالار سخنرانی هجوم بردند، میزها و صندلیها و لوازم صوتی امفی تاتر را تخریب کردند و به سینه زنی و نوحه خوانی پرداختند.

دانشجویان حاضر در تالار با شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر چماق به دست فاشیست به مقابله با حزب الله برخاستند و زدوخورده خونینی میان آنان درگرفت. درگیری چندین ساعت به طول

همیاری با خانواده شهدا و زندانیان سیاسی

در شماره های گذشته نشریه کار خبر تشکیل نهاد یاری به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی را به اطلاع خوانندگان رساندیم. اینک از سوی سرپرست این نهاد، شماره حساب زیر برای درج در نشریه در اختیار ما قرار گرفته است.

هموطنان می توانند کمکهای مالی خود به خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی را به شماره حساب زیر و با کد (HAMYARI) واریز نمایند.

هر اندازه از کمک شما می تواند در تخفیف تنگنای طاقت فرسای معیشتی آن عزیزان مؤثر باشد.

شماره حساب: 7147002
کد بانک: 37040044
Commerz Bank Koeln Germany

همدرد با خویی گرامی

در سوگ سنگین فرزند

درگذشت فرزند برومند شاعر گرانمایه آقای اسماعیل خویی همه دوستان و دوستانان این عزیز را در اندوهی سنگین فرو برده است. ما با ابراز همدردی عمیق با خویی گرامی و ادای احترام به خاطره عزیز به ناگهان از دست رفته، آرزو می کنیم که جان پر تب و تاب شاعر رزمنده میهن ما در این اندوه، کوه وار تاب آورد و پیاری شادابها و امیدهای زندگی، سالم و توانمند دیگر بار به جهان آکنده از کار و پیکار خود بازگردد.

«کار»

صنعتی هجوم بردند و تلاش کردند با ایجاد رعب و وحشت دانشجویان را متفرق سازند. دانشجویان بی واهمه از حضور پاسداران اعلام کردند تا زمان تأمین خواسته های خود به تظاهرات ادامه خواهند داد. این تظاهرات با سخنرانی رئیس دانشگاه اصفهان که از دانشجویان مهلت خواست تا به مطالبات آنان رسیدگی کند، پایان یافت.

روز چهارشنبه ۲۶ مهر ماه شورای انقلاب فرهنگی برای بررسی حوادث دانشگاه تهران و اصفهان تشکیل جلسه داد. در پایان این جلسه که به ریاست هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، شورای انقلاب فرهنگی خواستار برخورد جدی مأموران با متخلفین گردید، اما این شورا معلوم نکرد که متخلفین حزب الله ها هستند که با اجازه وزارت کشور به ضرب و شتم می پردازند یا دانشجویانی که به مقابله با آنها برمی خیزند.

مخالف آموزش حوزه های دین است و پیروی از ولایت فقیه را از الزامات دین نمی شناسد. از سوی حکومت محمد جواد لاریجانی برای حضور در مناظره اعلام آمادگی کرده است.

تظاهرات در دانشگاه اصفهان
چند روز پس از هجوم حزب الله به دانشجویان دانشگاه تهران، صدها تن از دانشجویان دانشگاه اصفهان در اعتراض به تشدید اختناق در کشور و بی توجهی حکومت به ابتدائی ترین خواسته های صنفی و رفاهی دانشجویان دست به تظاهرات وسیعی در مقابل دانشگاه اصفهان زدند. خبر تظاهرات به سرعت در شهر بازتاب یافت.

در هراس از تبدیل حرکت اعتراضی دانشجویان به شورش، تازهای علیه رژیم در اصفهان، دهها تن از نیروهای انتظامی و وزارت اطلاعات و امنیت به دانشگاه

پشت پرده انصار حزب الله

سیاسی ایران آماده می کند.

«آقای حسینی! رابطه انصار حزب الله با دفتر ریاست جمهوری و بیت رهبری چگونه است؟ بعد از آغاز اختلاف میان حجت الاسلام ناطق نوری و حجت الاسلام رفسنجانی بر سر مقام ریاست جمهوری آینده و بخصوص در چند هفته گذشته که رسالتیها با دور سوم ریاست جمهوری رفسنجانی به مخالفت برخاسته اند و به ویژه بعد از بازگشت آیت الله مهدوی کنی از لندن روابط میان رسالتیها و آیت الله خامنه ای بسیار حسنه شده و حالا رسالتیها با به میدان آوردن انصار حزب الله و به هم ریختن خیابانها در حقیقت می خواهند راه را برای بی اعتبار کردن رفسنجانی و نالایق خواندن وی باز کنند، به عناصری مانند افراد گرد آمده در روزنامه سلام اجازه عرض اندام ندهند، زمینه را برای قرق کردن جامعه در هنگام برگزاری خیمه شب بازی انتخابات مجلس آماده کند و پس از بدست گرفتن مجلس رفسنجانی را وادار به انصراف از کاندیدا شدن مجدد سازند و بعد رئیس مجلس را در انتخابات ریاست جمهوری به موفقیت برسانند.

نظر را به شکل دیگری به چاپ می رساند و بعد گروه رزمی وابسته به انصار حزب الله وارد عمل می شود. حمله به دفتر پیام دانشجوی بسیجی، آتش زدن انتشارات مرغ آمین و تظاهرات اخیر در خیابانهای تهران از این جمله اند.

«چرا میان بی بی سی و روزنامه رسالت ارتباط قائل شدید؟

«بیند روزنامه رسالت یکی از کم تیراژترین روزنامه های کشور است که قشر خاصی مانند بازاریان وابسته به رژیم و نهادهایی مانند دفتر رئیس مجلس، وزارت اطلاعات، ستاد مشترک سپاه پاسداران، دفتر تبلیغات اسلامی و مانند آنها مشتریان آن هستند. اما این روزنامه کم تیراژ هر شب و بنا به گواهی دوستان جای پای مشخصی در برنامه های شبانه ای بی بی سی دارد و نقطه نظرات اصلی آن معمولاً توسط این رادیو برای هموطنان رله می شود. این گفته به این معنا نیست که بی بی سی حامی انصار حزب الله است بلکه به این معنا است که بی بی سی با انعکاس نظرات باند رسالتیها و زنده نگاه داشتن این افراد در افکار عمومی در حقیقت زمینه را برای حمله رسالتیها در صحنه

نظر اداری و سیاسی به گردانندگان بنیاد رسالت و آیت الله آذری قمی وابسته اند و از نظر امنیتی و اطلاعاتی به وزارت اطلاعات و ستاد مشترک سپاه پاسداران. این گروه مرکب شده از تعدادی از افراد سابقاً رزمنده جنگ، چند ده باج بگیر سابق بخصوص در بازار، چند روحانی از دفتر تبلیغات اسلامی در قم و چند عضو رسمی وزارت اطلاعات. انصار حزب الله یکی شورای اداره کننده نیز دارد که یکی از آنها آقای عباس سلیمی نمین سردبیر هفته نامه کیهان هوایی می باشد.

«آقای حسینی! وظایف گروه انصار حزب الله چیست؟

«وظایف این گروه خلاصه می شود در ایجاد جوی که عناصر ذکر شده در بالا خواهان برقراری آن در کشور هستند. برای مثال معمولاً ابتدا روزنامه رسالت مطلبی را در جامعه مطرح می سازد، خبر آن از رادیو بی بی سی در لندن پخش می شود، حساسیت رهبری جمهوری اسلامی از طریق اعمال نفوذ آیت الله جنتی بر او جلب می گردد، هفته نامه صبح، خبر و تفسیر شورای اداره کننده انصار حزب الله در مورد موضوع مورد

نشریه پیام «دانشجوی بسیجی در تبعیه» که در بلژیک انتشار می یابد، در شماره سوم خود مصاحبه کوتاهی، به نوشته این نشریه، با یکی از اعضای اداره کل امنیت داخلی سپاه پاسداران، به چاپ رسانده است که پرده از ماجراهای پشت پرده «انصار حزب الله» بر می دارد. این گروه مسئول حملات چماق داری ماههای اخیر در تهران است. متن مصاحبه را در زیر می خوانید:

«آقای حسینی! چه اطلاعاتی از گروه انصار حزب الله دارید؟

«این گروه از سه سال پیش به وجود آمد. بانی تشکیل انصار حزب الله آیت الله جنتی عضو شورای نگهبان و امام جمعه وقت تهران بود که پس از کسب اجازه از آیت الله خامنه ای و با کمک مالی بنیاد رسالت و چند بازاری وابسته به وزارت اطلاعات تشکیل شد. مرکز اداری این گروه در جنب مسجد شهدای تهران در بزرگراه آهنگ قرار دارد و شخصی به نام حجت الاسلام پروازی آن را اداره می کند. این فرد امام جماعت همان مسجد نیز هست. اعضا رسمی این گروه حدود سیصد نفر هستند که از

مجلس برای مجازات مردم قانون تازه‌ای تصویب کرد

● برای فعالیت سیاسی کسانی که «معارض و محارب» نباشند، دو تا ده سال زندان در نظر گرفته شده است

خارجی یک تا ده سال زندان خواهد داشت. قانون «مجازات اسلامی برای جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی» از بیوی دولت به مجلس داده شد، اما مجلس مجازات‌ها را از آنچه که دولت پیش بینی کرده بود، سنگینتر کرد.

این قانون برای مجازات کسانی است که «محارب و معارض» شناخته نمی‌شوند. مطابق قانون نانوشته حکومت اسلامی، کسانی که «معارض و محارب» هستند، با شکنجه‌ها و حبس‌های طول مدت و اعدام «مجازات» می‌شوند و فعالین سیاسی گروه‌های مخالف رژیم، تقریباً بدون استثناء جزو این دسته به شمار می‌آیند.

زندان خواهد بود. در بند دیگری از این قانون پیش بینی شده است که هر کس علیه حکومت اسلامی و یا به نفع گروه‌ها و سازمانهای مخالف تبلیغ کند، به ۴ ماه تا یک سال زندان محکوم خواهد شد. در قانون مذکور، نسبت به فعالیت سیاسی در میان نیروهای مسلح با حساسیت بیشتری برخورد شده است و کسانی که افراد نظامی را به «عصیان» یا عدم اجرای وظایف تشویق کنند، به ۲ تا ۱۰ سال زندان محکوم خواهند شد.

بخشی از قانون مصوبه مجلس مربوط به فعالیت‌های جاسوسی است. جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده، به قصد آنکه در اختیار بیگانگان قرار داده شود، ۲ تا ۱۰ سال زندان و همکاری با دولتهای

مراجع بزرگ تقلید، سه تا ده سال زندان خواهد داشت. هر کس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش آذهان عمومی، تهدید به بمب گذاری در هواپیما، کشتی و وسایط نقلیه نماید یا ادعایی در این زمینه کند، به ۶ ماه تا ۲ سال زندان محکوم می‌شود. بخشی از قانون مصوبه مجلس درباره «تعیین مجازات» برای فعالتهای سیاسی و حزبی است. هر کس جمعیت یا شبه جمعیتی را در داخل و یا خارج کشور، تحت هر عنوان، تشکیل دهد و اداره کند که هدف آن «بر هم زدن امنیت جمهوری اسلامی» باشد، به ۲ تا ۱۰ سال زندان محکوم می‌شود. مجازات عضویت در چنین دسته‌ها و جمعیت‌هایی از ۳ ماه تا ۵ سال

مجلس شورای اسلامی، هفته گذشته قانون «مجازات اسلامی برای جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی» را به تصویب رساند. قانونی که هفته گذشته از تصویب مجلس گذشت، مجازاتهای سنگینی برای هر گونه ابراز مخالفت با حکومت، از توهین به مقامات حکومت تا فعالیت در گروه‌های سیاسی را شامل می‌شود. مجلس تصویب کرد هر کس به مقدمات اسلام و یا یکی از انبیای خدا توهین کند، به ۳ ماه تا ۲ سال حبس یا ۷۴ ضربه شلاق محکوم شود. برای «توهین» به خمینی مجازات سنگین‌تری در نظر گرفته شده است و ۶ ماه تا دو سال زندان خواهد داشت. سوء قصد به جان رهبر و یا یکی از روسای قوای سه گانه و

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره درگیری در دانشگاه تهران و حمله دوباره حزب الله به دکتر سروش

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حمله حزب الله به دکتر عبدالکریم سروش، برهم زدن جلسه سخنرانی وی و درگیری با دانشجویان و ضرب و شتم آنان در روز گذشته، ۱۹ مهر ماه را، محکوم می‌کند. حزب الله از قبل قصد خود مبنی بر یورش به دانشگاه تهران، حمله به دکتر سروش و درگیری با دانشجویان و شرکت کنندگان در سخنرانی وی را اعلام داشته بود. حزب الله در برابر چشمان نیروهای انتظامی با چوب و چماق به دانشگاه حمله کرد و با کوچک ترین عکس العملی نیز از سوی این نیرو مواجه نشد. حمله دیروز حزب الله به دانشگاه ادامه یافت و تاز اوپاش حزب اللهی در هفته‌های اخیر است. این تاخت و تازها تا کنون به ضرب و شتم مردم عادی و به ویژه زنان، آتش زدن کتابفروشی‌ها، تهدید روزنامه‌ها، تعطیلی برنامه‌های تلویزیونی و سلب امنیت و آسایش از مردم انجامیده است. این حزب الله مورد حمایت مستقیم عالی‌ترین مقامات حکومت اسلامی قرار دارد و از اشخاصی چون آیت الله احمد جنتی، عضو فقهای شورای نگهبان و امام جمعه برگزیده آیت الله خامنه‌ای دستور می‌گیرد.

رها ساختن دوباره حزب الله در خیابانها و دانشگاه، جزئی از سیاست سرکوب و ایجاد رعب و هراس در کشور است که از سوی سران حکومت دنبال می‌شود. اجزای دیگر این سیاست را اعدام زندانیان سیاسی، دستگیری و اعمال فشار به فعالان سیاسی و مخالفین حکومت، مانورهای پی در پی نیروهای سرکوبگر بسیج و سپاه تشکیل می‌دهد. حکومت به همه این اقدامات متوسل می‌شود تا مردم را از ادامه اعتراض به گرانی و فساد و استبداد باز دارد.

دانشجویانی که روز گذشته با فریاد «مرگ بر فاشیسم» و «مرگ بر فاشیسم چماق‌دار» به مقابله با حزب الله برخاستند، «ضد انقلاب» و از مخالفین جمهوری اسلامی نبودند. بسیاری از آنان و از جمله خود دکتر سروش از هواداران حکومت بوده و یا هستند، اما حزب الله و مقامات حمایت کننده آن چنان هار شده‌اند و چنان بی محابا چماق خود را بر سر همه کس فرود می‌آورند که تحمل آن دیگر برای کمتر کسی امکان دارد. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق (اکثریت) بر دانشجویان و مردمی که دیروز در دانشگاه تهران در برابر یورش حزب الله به مقاومت برخاستند درود می‌فرستد و همه مردم را به مقاومت در برابر اوپاش و چماق‌داران دعوت می‌کند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۰ مهر ماه ۱۳۷۴

اکثریت اعضای جدید...

بقیه از صفحه اول
جناح رسالت در سالها و ماههای اخیر پرچمدار محدودتر کردن فضای محدودی شده است که روزنامه‌نگاران، نویسندگان و سایر فعالان فرهنگی ایران با سالها کار بردبارانه و پیگیر برای کار خود به دست آورده‌اند. این تلاش سرکوبگرانه رسالتی‌ها در چارچوب خیز نهایی آنها برای قبضه کامل قدرت صورت می‌گیرد. در راستای همین سیاست، ۱۶

کلاوس گروونه والد در دومین حضور خود به عنوان شاهد در دادگاه رسیدگی به پرونده ترور دکتر صادق شرفکندی و همراهانش که به دادگاه می‌کونوس معروف شده است، سندی جدید ارائه داد که حاکی از سازمان دادن این چنات‌از سوی رژیم مستبد اسلامی حاکم بر ایران می‌باشد.

به گزارش کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - برلین، کلاوس گروونه والد مدیر سازمان اطلاعات داخلی المان BfV که نخستین بار در سپتامبر سال ۱۹۹۲ به عنوان شاهد در مقابل دادگاه نام‌برده شرکت کرده بود، در دومین حضور خود در جایگاه شهود در مورد گفتگویی تلفنی گزارش داد که در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۹۱ میان محمود امانی فراهانی، کنسول دوم وقت ایران و دارابی، متهم به قتل دکتر شرفکندی و همراهانش، صورت گرفته بود.

در این روز امانی به دارابی تلفن می‌کند و به او مأموریت می‌دهد در

مورد یک کُرد عراقی به نام «محمد حمه بوسکه» که از افراد فعال اتحادیه میهنی کردستان عراق است، اطلاعات جمع‌آوری کند. طی این تماس تلفنی که توسط سازمان اطلاعات آلمان ضبط شده است، امانی هم‌چنین از دارابی می‌خواهد در مورد حسینی مرکز اسلامی فرانکفورت و قطعه زمینی در برلین برای یک عبادتگاه جدید، کارهای لازم را انجام دهد. گروونه والد در دادگاه می‌کونوس گفت دارابی با امانی در تماس مداوم بود. وی افزود پس از این گفتگوی تلفنی شک سازمان امنیت آلمان به فعالیت‌های جاسوسی - اطلاعاتی محمود امانی فراهانی برای سازمان امنیت ایران به یقین تبدیل شده است.

با این شهادت گروونه والد سند انکارناپذیر دیگری به اسنادی افزوده شد که حاکی از سازماندهی ترور برلین توسط عوامل حکومت اسلامی است.

هواداران رفسنجانی آماده‌می‌شوند
همزمان با اعلام عدم شرکت مجمع روحانیون مبارز در انتخابات مجلس، موجی از اعتراض و انتقاد از سوی هواداران «خط امام» نسبت به این تصمیم به راه افتاده است. روزنامه سلام در پاسخ به این انتقادات و کسانی که رهبران این جناح را به حفظ «نام و نان» خود متهم می‌کنند، نوشت: «در آستانه انتخابات تحریک و تشویق جناح چپ برای وارد شدن در صحنه انتخابات با شدت بیشتری آغاز شده است... افراد سیاسی، خصوصاً کسانی که گذشته آنان نشان می‌دهد که در پی نام و نان نیستند، بطور طبیعی مایلند در متن سیاست باشند... اما قطعاً شرایط به گونه‌ای است که نمی‌توانند و نه اینکه نمی‌خواهند. چماق‌داران بر هم زده می‌شود. او در انتخابات مجلس چهارم کاندید شد اما نتوانست به مجلس راه یابد. وی در گفتگو با کیهان هوایی اعلام کرد که برای این دوره کاندید نخواهد شد و می‌خواهد به حوزه بازگردد.

"قانون امنیتی"...

بقیه از صفحه اول
به گزمگان خود اطمینان دهد "قانون" پشت آنهاست تا مبادا از بیم فردایی که باید پاسخگو باشند، در زند و کشتن و به بند کشیدن، لحظه‌ای تردید به خود راه دهند. فرق است میان امروز حکومت فقها و دوران خمینی که گاه یک کلام پر کین از جماران کافی بود که سربازان گمنامش جوی‌های خون به راه اندازند و چوبه‌های دار بر پا کنند. امروز که کمتر مسلمانی برای فتوای جانشین خمینی تره خرد می‌کند، باید به پاسدار و بسیجی و حاکم شرع و زندانیان، "مشروعیت" و توجیهی از نوع دیگر داد تا دستانشان در چکاندن ماشه و امضای حکم و فرود آوردن شلاق، نلرزد. فردا همه چرخ دنده‌های این ماشین جهنمی خواهند گفت که مأمور بوده‌اند و معذور، و تنها به وظیفه قانونی‌شان عمل کرده‌اند.

تجربه به خون کشیدن تظاهرات اسلام‌شهر به فاصله اندکی پس از آزاد کردن کاربرد سلاح گرم برای مقابله با "شورش"، نشان داد که آقایان، این قوانین را محض سرگرمی نمی‌نویسند، بلکه به مورد استفاده آن هم دقیقاً فکر کرده‌اند. فرمول‌بندی‌های قانون جدید، عملاً می‌تواند دامن‌گیر هر حرکت از نظر رژیم نامطبوع گردد. بسیاری از آنچه که ناتوانی رژیم و عصیان جامعه در سال‌های اخیر به قلمرو ممکن‌ها آورده است، از ابراز انتقادهای نیروهای ملی و برخی نیروهای مذهبی داخل کشور گرفته تا فی‌المثل کار تحقیقی اقتصاددانان دگراندیش که متضمن جمع‌آوری اطلاعات نیز هست، می‌تواند با استناد به قانون جدید، جرم تلقی شود. با تصویب این قانون، دست حکومت در ناممکن کردن این ممکن‌ها حداقل به لحاظ حقوقی باز است.

اما امکانات خودساخته حقوقی، برای تشدید سرکوب کافی نیست. بدون تردید اینکه رژیم تا چه حد بتواند این امکانات را علیه مردم و نیروهای آزادخواه به کار گیرد، به همین نیروها نیز بستگی دارد. هر چقدر هم که حکومت اسلامی موفق شود از موانع درونی خود برای یورش به جبهه مقابل بکاهد، بسیاری از شرایط خارج از اراده حکومت، علیه رژیم عمل می‌کنند. از آن جمله است هر چه فراگیرتر شدن اعتراضات مردمی، انزوای بین‌المللی جمهوری اسلامی و عدم امکان مانورهای اقتصادی آن. اگر اتحاد عمل نیروهای سیاسی دمکرات نیز به این شرایط اضافه شود، ثقل ضد سرکوب می‌تواند آن قدر نیرومند باشد که تیغ قوانینی از قبیل قانون امنیتی را کند کند.

نکته فراموش شده!

یک خواننده روزنامه سلام پرسیده است: «اگر جمهوری را به معنای حکومت مردم بدانیم، این نوع حکومت با نظام ولایت فقیه چه تطابقی دارد؟ بهتر است به جای جمهوری اسلامی عبارت حکومت اسلامی را به کار ببریم».

سلام پاسخ داده است: «قانون اساسی جمهوری اسلامی خود گواه بر این است که نظام ولایت فقیه هیچ تضادی با حکومت مردم ندارد، چه اینکه همه امور کشور در جمهوری اسلامی ایران بر اساس آرای مردم اداره می‌شود، حتی ولی فقیه نیز با آرای مردم (در دو مرحله) انتخاب می‌گردد و نیز انتخاب رئیس جمهور که عالی‌ترین مدیر اجرایی کشور است بر اساس اکثریت آرای مردم انجام می‌شود. مجلس قانون گذاری از نمایندگان ملت تشکیل می‌شود که با اکثریت آرای مردم انتخاب شده‌اند. رهبر و همه مردم در برابر قانون مساویند، تشکیل احزاب و گروه‌ها و دستجات سیاسی در این نظام آزاد است، مطبوعات در این نظام آزادند و همه آزادهایی که در قانون اساسی بدان تصریح شده است. امام خمینی (س) در آستانه پیروزی انقلاب در چندین مصاحبه با خبرنگاران و رسانه‌های خارجی بارها توضیح دادند که حکومت اسلامی چون متکی بر آرای ملت است پس نظام جمهوری است...».

روزنامه سلام در توصیف خود از نظام اسلامی تنها یک نکته را «فراموش» کرده است و آن نکته این است که ولی فقیه می‌تواند همه آن رشته‌هایی را که نویسند - یافته است یعنی هم آرای مردم را، هم آزادی احزاب را، هم آزادی مطبوعات را تنها با یک حکم پنبه کند و این نیز البته مطابق قانون اساسی از حقوق «قانونی» اوست!

مقامات دولتی برای شرکت در انتخابات است یا نشانه‌ای دیگری را نیز مورد نظر دارد. از سوی دیگر در همین محافل از شکل گیری «گروه جدیدی از طیف چپ» برای شرکت در انتخابات سخن گفته می‌شود.

وزارت کشور تکذیب کرد

رسالت و نیروها و نهادهای آن، فارغ از همه این مسایل با سرعت در حال زمینه چینی برای اعمال نفوذ گسترده در انتخابات و کسب پیروزی مطلق از این طریق هستند. علیرغم هشدار چندی پیش رفسنجانی در مورد عدم تغییر مسئولین دولتی در رابطه با انتخابات، وزارت کشور در دو هفته گذشته چندین بختدار و شهردار و فرماندار دیگر را تعویض کرد. این وزارتخانه وجود نامه محرمانه‌ای را نیز که گفته شده بود وزیر کشور نوشته و دستور داده تغییر و تحولات تا پایان انتخابات متوقف شود، تکذیب نمود.

گفته‌ها و شنیده‌ها درباره انتخابات مجلس پنجم

همزمان با اعلام عدم شرکت مجمع روحانیون مبارز در انتخابات مجلس، موجی از اعتراض و انتقاد از سوی هواداران «خط امام» نسبت به این تصمیم به راه افتاده است. روزنامه سلام در پاسخ به این انتقادات و کسانی که رهبران این جناح را به حفظ «نام و نان» خود متهم می‌کنند، نوشت: «در آستانه انتخابات تحریک و تشویق جناح چپ برای وارد شدن در صحنه انتخابات با شدت بیشتری آغاز شده است... افراد سیاسی، خصوصاً کسانی که گذشته آنان نشان می‌دهد که در پی نام و نان نیستند، بطور طبیعی مایلند در متن سیاست باشند... اما قطعاً شرایط به گونه‌ای است که نمی‌توانند و نه اینکه نمی‌خواهند. چماق‌داران بر هم زده می‌شود. او در انتخابات مجلس چهارم کاندید شد اما نتوانست به مجلس راه یابد. وی در گفتگو با کیهان هوایی اعلام کرد که برای این دوره کاندید نخواهد شد و می‌خواهد به حوزه بازگردد.

بقیه از صفحه اول
عمل کرده‌اید». محتشمی گفت: «به عقیده من این درگیری‌ها باعث تضعیف نظام می‌شود». وی در پاسخ به کیهان هوایی که شرایط فعال شدن مجمع روحانیون مبارز را از او پرسیده بود، گفت: «اگر طبق قانون اساسی در انتخابات عمل شود، تمام مشکلات حل می‌شود».

محتشمی در زمانی که جناح او در قدرت و خودش وزیر کشور بود، از سردمداران چماق بدستان به شمار می‌رفت و از آغازگران زیر پا نهادن قوانین حکومت و پایه‌گذاران خودسریها و بی‌قانونیها بود. اما اکنون مدتهاست که از فعالیت‌های سیاسی کنار گذارده شده و حتی سخنرانیهای او توسط حزب الله و چماق‌داران بر هم زده می‌شود. او در انتخابات مجلس چهارم کاندید شد اما نتوانست به مجلس راه یابد. وی در گفتگو با کیهان هوایی اعلام کرد که برای این دوره کاندید نخواهد شد و می‌خواهد به حوزه بازگردد.

سلام: دست و پای ما را بسته‌اند

اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی

هیات اجرایی شورای مرکزی حزب دموکراتیک مردم ایران با صدور اطلاعیه‌ای، اعدام فدایی خلق اسد اخوان را محکوم کرد. در این اطلاعیه آمده است:

پیرو اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، اسد اخوان، عضو آن سازمان پس از تحمل پنج سال زندان و شکنجه‌های فراوان، در شهریورماه سال جاری در زندان لنگرود اعدام شده است. این در حالی است که مقامات بالای رژیم جمهوری اسلامی بارها به دروغ ادعا کرده‌اند که در ایران زندانی

روزنامه توس در خراسان توقیف شد

دادگستری مشهد، با صدور حکمی روزنامه توس را توقیف کرد. این روزنامه که در مشهد منتشر می‌شد، دارای خوانندگان زیادی در استان خراسان بود. دادگستری مشهد حکم خود را به ماده‌های سی و سی و یک قانون مطبوعات مستند کرده است، اما مدیر مسئول این روزنامه در مصاحبه‌ای که در روزنامه سلام درج شد، ضمن

اجرای مانورهای ضد شورش در استانها

شهرهای اصفهان، کاشان و نجف آباد روزهای ۲۶ و ۲۷ مهرماه صحنه مانور نیروهای گردان ویژه عاشورا بودند. و بنا به دستور شورای عالی امنیت ملی ۲۰ هزار تن از نیروهای ضد شورش سپاه پاسداران و بسیج در شهرهای یاد شده از روز چهارشنبه ۲۶ مهرماه مانور گسترده‌ای را آغاز کردند که تا روز یکشنبه ۳۰ مهرماه ادامه داشت. پایان عملیات مانور ضد شورش، اصفهان بود. فرماندهی این مانور را صفرعلی براتی فرمانده سپاه ناحیه اصفهان بر عهده داشت. بر اساس دستور شورای عالی امنیت ملی هر ماه در یکی از

طرح جمع آوری

«اراذل و اوباش» در تهران

فرماندهی ناحیه انتظامی تهران بزرگ اعلام کرد که طرح جمع آوری «اراذل و اوباش» توسط ناحیه انتظامی تهران بزرگ اجرا شد. بگفته‌ی وی در جریان این طرح بیش از ۸۷۰ نفر از اراذل و اوباش، مزاحمین خیابانی و جوانان

شیوع گسترده بیماری وبا در تبریز

سردرد، چشم‌درد، تب شدید، سستی و ضعف است. دوره آن ده روز است و یبودی بیمار بستگی به طیف بیماری دارد. در گزارش‌های محرمانه که در اختیار فرمانداری تبریز قرار گرفته، علت اصلی شیوع سریع بیماری، آلودگی آب مشروب شهر ذکر شده است. آب آشامیدنی در مناطق مختلف به طرق متفاوت آلوده شده است. شهر فاقد تصفیه خانه شیمیایی است و تنها یک تصفیه خانه فیزیکی دارد. به گزارش روزنامه سلام روی تصفیه خانه باز است و کف مخزن‌های اصلی آب را لایه عمیقی از لجن فرا گرفته است. قطر لجن به ۸۰ سانتی متر می‌رسد. ستون‌ها، پلدها و هر وسیله فلزی تصفیه خانه زنگ زده است. گزارشگر سلام می‌نویسد هنگامی که وی در آزمایشگاه بهداشت استان بود یک نقاش ساختمانی با یک گالن آب وارد آزمایشگاه شد و گفت: از روستای «بارنج» یک گالن

بقیه از صفحه اول مردم تبریز آمده است. این بار شمار مبتلایان چنان زیاد است که نتوانسته‌اند خبر را درز بگیرند و از بازتاب آن در مطبوعات جلوگیری کنند. شیوع بیماری از ۳ ماه پیش آغاز شد و در چهار هفته اخیر در سطح شهر تبریز، روستاها و شهرهای اطراف به سرعت گسترش یافت. بر پایه ارقام غیر رسمی هزاران نفر به این بیماری مبتلا شده‌اند که نیمی از این تعداد در مناطق روستایی به سر می‌برند. تعداد تلفات در میان آنان به دلیل نقص مراحل درمانی بیشتر از مردم شهرهاست. به نظر متخصصان منشأ اصلی شیوع بیماری آلودگی آب یا آب‌های سطحی هستند و راه ابتلا به بیماری ورود میکروب از راه دهان و دستگاه گوارش می‌باشد. بیماری واکنس ندارد و تنها راه پیشگیری، عدم ابتلا به این بیماری است. از علائم آن کوفتگی،

دستگیری و شکنجه در کردستان

روز به روز ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد. دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور با انتشار اطلاعیه‌ای مطبوعاتی به تاریخ ۱۸ مهر ماه ۱۳۷۴ (۱۰ اکتبر ۱۹۹۵)، از ۲۶ نفر نام برده است که طی دو ماه تا تاریخ ۱۵ مهرماه ۱۳۷۴ (۷ اکتبر ۱۹۹۵) در مناطق ارومیه و سلماس به اتهام هواداری از حزب دمکرات کردستان ایران دستگیر شده‌اند. در این اطلاعیه که پیرو اطلاعیه ۱۲ اکتبر حزب دمکرات کردستان ایران منتشر شده، آمده است که موج دستگیری و اعدام آزادیخواهان در کردستان ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی

جان پناه جویان ایرانی

در ترکیه در معرض خطر است

پناهجویان ایرانی در مقر حزب سوسیالیست متحد ترکیه می‌گذرد. تقاضای پناهندگی این عده از سوی کمیساریای عالی پناهندگی رد شده است، ولی این حکم با هیچ توضیح کتبی همراه نبوده است. ما ضمن ابراز نگرانی نسبت به سرنوشت هم‌پنهان پناهجوی خود در ترکیه از فراخوان فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان ایرانی - واحد آلمان - برای نجات جان پناهندگان حمایت می‌کنیم.

روز ۲۴ مهر ۱۳۷۴ (۱۶ اکتبر ۱۹۹۵) فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگی ایرانی - واحد آلمان با انتشار فراخوانی از احزاب سیاسی و گروههای اپوزیسیون تقاضا کرد به تلاش برای نجات جان پناهندگان ایرانی در ترکیه بپردازند. خطر متوجه ۱۶۱ پناهنده‌ای است که در ترکیه در معرض بازگرداندن به ایران هستند. ۶۴ تن از این میان کودکانند. اکنون بیش از دو ماه از اعتصاب غذای این

صدور رای دادگاه رسیدگی به

سقوط هواپیمای فوکر به تعویق افتاد

در پی اعمال فشار مقامات حکومتی و دخالت رسمی اکبر ترکان وزیر راه و ترابری در کار دادگاه رسیدگی به پرونده سقوط هواپیمای مسافری فوکر ۲۸ متعلق به شرکت آسمان، رئیس دادگاه اصفهان که مسئولیت رسیدگی به پرونده را بر عهده داشت به طور ناگهانی اعلام کرد، صدور رای دادگاه به تعویق می‌افتد. حکم دادگاه قرار بود روز پنجشنبه ۲۷ مهر ماه صادر شود. بنا به نوشته مطبوعات چاپ تهران بهانه تعویق صدور رای محکمه، بررسی دقیق تر پرونده اعلام شد. رئیس دادگاه گفت: به خانواده‌های تمامی قربانیان حادثه اطمینان می‌دهم که به تعویق افتادن رای دادگاه فقط به خاطر بررسی دقیق تر حادثه بوده است. وزیر راه و ترابری دو هفته پیش نیز با ارسال نامه به رئیس دادگاه اصفهان اخطار کرده بود

جایزه صلح آلمان به آنه ماری شیمل داده شد

فرهنگ اسلامی انگیزه او برای سفرهای مکرر به ایران و پاکستان است، سفرهایی که رژیم ضیاء الحق و جمهوری اسلامی از آن استفاده تبلیغاتی کرده‌اند. آنه ماری شیمل هنگام دریافت جایزه صلح، با استناد به آیه «لا اکراه فی الدین» کوشید روح اسلام را با افراتیگری و بنیادگرایی و بیگانه جلوه دهد و بنیادگرایی و صدور فتوای قتل علیه دگراندیشان را محکوم کرد. با این حال منتقدان برآنند که اگر قرار بود به پاس تالیفات متعدد شیمل و خدمات او به کسب آگاهی بیشتر غرب از فرهنگ اسلامی، جایزه‌ای به او تعلق گیرد، این جایزه نمی‌بایست جایزه صلح می‌بود که از بعد سیاسی برخوردار است. رئیس جمهور آلمان در نطق خود به مناسبت اعطای جایزه به شیمل، بدون اینکه از جمهوری اسلامی نامی ببرد خواهان لغو فتوای قتل رشدی شد.

عاقبت علیرغم اعتراضات گسترده، جایزه صلح اتحادیه کتابفروشان آلمان که هر سال همزمان با نمایشگاه کتاب فرانکفورت به یک نویسنده تعلق می‌گیرد، در حضور هرتسوغ رئیس جمهور این کشور به آنه ماری شیمل شرق شناس و اسلام‌شناس آلمانی داده شد. اعتراضات به تصمیم امسال هیأت داور، به خاطر «تفاهم»ی است که شیمل در قبال «احساسات مسلمانان» در مورد کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی نشان داده است. آنه ماری شیمل بدون تردید از برجسته‌ترین صاحب نظران بین‌المللی در مورد تصوف اسلامی است و سالها در ترکیه و دانشگاه هاروارد آمریکا در این مورد تدریس و تحقیق کرده است. وی شخصیتی غیرسیاسی است و همین امر باعث شده است که در انتخاب طرفهای صحبتش در کشورهای خاورمیانه دقت چندانی به خرج ندهد. فی‌المثل، علاقه او به

زنان در سال ۷۳ چه کتابهایی را منتشر ساخته‌اند

به نقل از مجله زنان

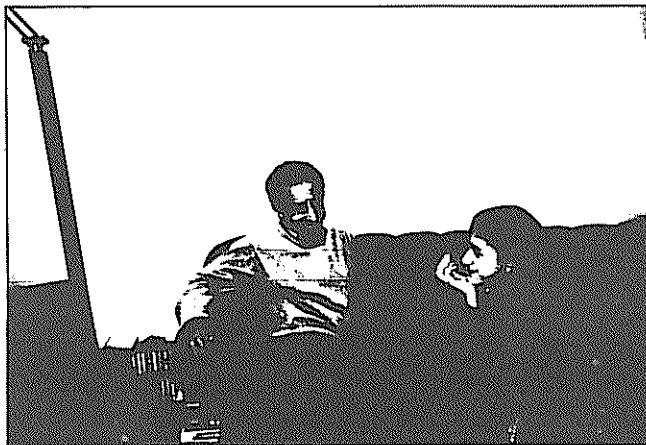
شماره	موضوع	تعداد	درصد	سهم زنان
۱	دین	۲۰۹۴	۲۰/۸	۲۷
۲	ادبیات	۱۸۴۹	۱۷/۷	۲۲۷
۳	علوم علمی	۱۲۴۹	۱۲	۲۶۶
۴	کردن و نچرانیان	۱۱۹۹	۱۱/۵	۲۲۴
۵	علوم اجتماعی	۱۰۷۵	۱۰/۳	۱۳۴
۶	تاریخ و جغرافیا	۶۱۴	۵/۹	۴۰
۷	علوم خالص	۶۱۰	۵/۸	۲۸
۸	زنان	۵۲۸	۵/۲	۲۴
۹	هنر	۴۲۹	۴/۳	۶۸
۱۰	فلسفه و روانشناسی	۴۰۶	۳/۹	۸۳
۱۱	کلیات	۳۲۶	۳/۳	۲۸

خود به اعتراضی علیه این قوانین تبدیل خواهد شد. از نکات قابل توجه استقبال زنان و جامعه از این کتابهایی است که به مسایل زنان پرداخته‌اند. ترجمه کتاب «جنبش دوم» سیمون دوبوار با نام «وانتاده» در ایران دو بار تجدید چاپ شد.

۹۴ عنوان کتاب دینی منتشر شده است (۲۰/۱ درصد کل آثار). زنان با تالیف و ترجمه تنها ۲۷ اثر (۲/۱ درصد) کمترین توجه به این موضوع را نشان داده‌اند. مرکز توجه مولفین و مترجمین زن کتابهایی بوده است که به مسائل پزشکی قرار داشته است. در موضوعات دینی دو گروه مورد توجه زنان بوده‌است ۱۵/۶ درصد این کتابها در زمینه «هنر، ورزش، سرگرمی»، ۱۴/۶ درصد در زمینه علوم و فنون عملی، ۶ درصد در زمینه مسایل دینی، ۳/۲ درصد کتابهای مربوط به فلسفه و روانشناسی، ۳/۲ درصد در علوم اجتماعی و ۱/۶ درصد در زمینه ادبیات بوده است. بیشترین کتب مربوط به زنان را کتابهای آشپزی و خیاطی، آرایش و بهداشت، اقتصاد

نشریه زنان، که در ایران منتشر می‌شود، در آخرین شماره خود، با درج گزارشی، فعالیتهای زنان مولف و مترجم در سال ۷۳ را مورد بررسی قرار داده است. نکات مهم این گزارش را در زیر می‌خوانید: در سال ۷۳ ده هزار و ۴۲۹ عنوان کتاب منتشر شده است که ۲۳ درصد آن به آثار ترجمه و ۶۷ درصد به آثار تالیفی اختصاص داشته است. زنان، در تالیف و ترجمه هزار و ۲۶۹ عنوان کتاب، یعنی حدود ۱۲/۲ درصد از کتابهای منتشر شده سهمیه بوده‌اند که ۴۶ درصد کتابهای انتشار یافته از سوی آنان را آثار ترجمه شده تشکیل می‌دهد است. (نمودار) از نکات مهم و قابل توجه در آثار زنان این است که گرایش آنان به موضوعات گوناگون، منطبق بر گرایش عمومی جامعه نبوده است. به طور مثال در سال ۷۳ دو هزار و

جزئیات توطئه آدم ربائی رژیم در باکو



علی توسلی و دخترش نسترن

خبر ربوده شدن رفیق علی توسلی عضو سابق کمیته مرکزی سازمان توسط آدم ربایان جمهوری اسلامی، بازتاب وسیعی یافت. این آدم ربایی گستاخانه در میان ایرانیان، خشم و انزجار گسترده‌ای برانگیخت. برای روشن شدن جزئیات این اقدام تروریستی و برای ارائه به سازمان‌ها و مجامع ملی و بین‌المللی حقوق بشر، در زیر مجموعه اطلاعاتی به چاپ می‌رسد که از طریق دوستان و آشنایان آقای علی توسلی یا کسانی که به نحوی از واقعه آدم ربایی مطلع شدند، جمع‌آوری شده است. تلاش شده است تنها به اطلاعات موثق و تحقیق شده تکیه شود.

رفیق علی توسلی «حسن» اکنون ۴۵ سال دارد. وی در سالهای قبل از انقلاب، در دوران دانشجویی به علت فعالیت‌های سیاسی دستگیر شد و تا سال ۱۳۵۶ در زندان بود. او پس از آزادی به سازمان فدائیان پیوست. در سال ۵۹ به عضویت کمیته مرکزی برگزیده شد و سپس به عنوان عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی در امور تشکیلات انتخاب شد و تا سال ۱۳۶۵ در همین مسئولیت باقی ماند. وی پس از مهر ماه ۱۳۶۸، از فعالیت سیاسی کناره گرفت و به عنوان پناهنده سیاسی در انگلستان اقامت گزید.

توسلی از همان اوان ورود به انگلیس برای تأمین زندگی در یک کارگاه کوچک موتوآژ و فروش کامپیوترهای شخصی که با کمک آشنایانش ایجاد شده بود، مشغول به کار شد. وی در سالهای اخیر مدیر عامل همان شرکت بوده است. او در آن شرکت در عین حال کوشیده است در امر صادرات و واردات نیز فعال باشد و با طرفهای تجاری در باکو، ایران، روسیه و انگلیس به عنوان واسطه ارتباطی برقرار کند. در این ارتباط توسلی طی سالهای اخیر به باکو و مسکو مسافرت می‌کرده است.

در اواخر تابستان گذشته آقای توسلی برای انجام یک معامله چوب بین یک شرکت تجاری به مدیریت آقای حمیدی فر در باکو و سرمایه‌گذار یا سرمایه‌گذارانی وساطت می‌کند و بنا به سفارش توسلی یک محموله چوب خریداری و به ایران حمل می‌شود. حمیدی فر که سالها بود در باکو اقامت داشت، تصمیم می‌گیرد همراه خانواده برای اقامت دائم به ایران برگردد. اما در آخرین نوبت بازگشت به ایران در ارتباط با محموله چوب، توسط مأمورین وزارت اطلاعات بازداشت و در مورد مالک محموله چوب و در باره آقای توسلی از وی پرس و جو می‌شود. وی از ایران تلفنی با توسلی تماس گرفته و خواست

ما همچون هوا به...

مجبور کردند زمین‌هایشان را از زیر کشت بیرون بیاورند، مسئول خطر جنگ اقتصادی در بازار غلات و مسئول گسترش سوء تغذیه، فقر و گرسنگی در بخش بزرگی از جهان و در راس آن آفریقا هستند. اجازه دادن به ادامه این جنایت به اتکا توهم چتر اتمی، دیگر قابل پذیرش نیست.

یک پروژه جدید برای اروپا به خاطر آنکه نمی‌توان مسایل

ملی و ابعاد بین‌المللی آنها را تفکیک نمود، ما باید در باره مسایلی که مربوط به توسعه ساختمان اروپاست، تعمق کنیم. ما در حال آماده نمودن کنفرانس پراهمیت بین دولتی برای آینده اروپا هستیم. هنوز تا زمان برگزاری این کنفرانس شش ماه دیگر باقی است. نه در باره نهادهای تعیین کننده مرزها در شرایط امروزی، نه در باره دفاع اروپایی، نه در باره شرایط بسط و گسترش آن و نه در باره پول واحد، تصمیمی گرفته نشده است. کنفرانس بین دولتی ۱۹۹۶ باید

نفر هم در خانه بوده‌اند. آن دو نفر چمدان بسیار بزرگی همراه داشته‌اند و گفته‌اند حاوی رختخواب است. خانم صاحبخانه گفته است که مأمورین او را از خانه بیرون فرستاده و خواسته‌اند که چند ساعتی نباشد. و او از این درخواست تعجب کرده است. اما او وقتی زودتر برگشته دیده است که یکی از اجاره کنندگان که هنوز آنجا بوده است با خوشحالی به وی می‌گوید «کار ما تمام شد می‌توانی بروی داخل خانه».

یکی دیگر از آشنایان توسلی در باکو که قضیه را دنبال کرده پی‌گوید علاوه بر ۴ نفری که در دو آپارتمان خیابان دیمتروف بوده‌اند دو نفر دیگر هم بوده‌اند که در هتل اقامت داشته‌اند. بدین ترتیب عملیات آدم ربائی با مشارکت ۶ نفر انجام شده و تا قبل از نیمه شب روز چهارشنبه به اتمام رسیده بوده است. شخص کریم حمیدی فر مسلماً تا روز جمعه در باکو بوده است. همسر و فرزند کریم نیز چند روز بعد باکو را به قصد تبریز ترک می‌کنند.

کریم حمیدی فر در تماسی تلفنی از ایران با دوستان خود در باکو گفته است که مأمورین علی توسلی را نگاهداشته اما خود وی (کریم) را رها کرده‌اند. مطابق آخرین اطلاعات، دفتر شرکت کاوه در باکو مورد بازرسی و مسئول آن که برادر همسر کریم حمیدی فر است توسط مأمورین دولت آذربایجان مورد بازرسی قرار گرفته است. تا این لحظه که این گزارش منتشر می‌شود، هنوز دولت ایران هیچ خبری در مورد علی توسلی حتی در اختیار خانواده وی نیز قرار نداده است.

مجموعه اطلاعات گرد آوری و تحقیق شده نشان می‌دهد که علی توسلی توسط عوامل رژیم ربوده شده است و توطئه آن از مدت‌ها قبل از آن طراحی شده و گام به گام پیش برده شده است. اکنون سؤال این است که او در کدامیک از زندانهای یا مخفی‌گاه‌های رژیم اسیر است، چه شرایطی را تحمل می‌کند و با چه هدفی رژیم وی را دزدید.

ملی و ابعاد بین‌المللی آنها را تفکیک نمود، ما باید در باره مسایلی که مربوط به توسعه ساختمان اروپاست، تعمق کنیم. ما در حال آماده نمودن کنفرانس پراهمیت بین دولتی برای آینده اروپا هستیم. هنوز تا زمان برگزاری این کنفرانس شش ماه دیگر باقی است. نه در باره نهادهای تعیین کننده مرزها در شرایط امروزی، نه در باره دفاع اروپایی، نه در باره شرایط بسط و گسترش آن و نه در باره پول واحد، تصمیمی گرفته نشده است. کنفرانس بین دولتی ۱۹۹۶ باید

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره آدم ربایی رژیم جمهوری اسلامی

رفیق علی توسلی عضو سابق کمیته مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت) رار بود

هم‌میهنان! مأمورین رژیم جمهوری اسلامی رفیق علی توسلی (حسن)، عضو سابق کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را از شهر باکو، پایتخت جمهوری آذربایجان ربوده‌اند. علی توسلی برای یک سفر تجاری روز ۴ مهر ماه (۲۶ سپتامبر) از انگلستان به باکو رفت و در روز چهارشنبه ۵ مهر ماه (۲۷ سپتامبر) با توطئه از قبل طراحی شده وزارت اطلاعات توسط عوامل این وزارت خانه، در شهر باکو ربوده شد. علی توسلی تا سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و از آن پس غیر فعال سیاسی بود. وی به هنگام ربوده شدن، هیچ گونه فعالیت سیاسی نداشت. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) عمیقاً نگران جان رفیق علی توسلی است و حکومت جمهوری اسلامی را مسئول سلامت و جان وی می‌شناسد. شورای مرکزی سازمان از همه نیروهای سیاسی و آزادخواهان ایران، سازمانهای مدافع حقوق بشر و نهادهای بین‌المللی برای نجات جان رفیق علی توسلی یاری می‌جوید و از آنان می‌خواهد تا برای رهایی قوری او از چنگ شکنجه‌گران حکومت اسلامی از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکشنبه ۲۳ مهر ۱۳۷۴ - ۱۵ اکتبر ۱۹۹۵

دیدار فسنجانی از سه کشور آسیایی

فیلیپین از موضوعات مورد گفتگوی فسنجانی و هیئت همراهش در فیلیپین بود.

وی در فیلیپین در یک مصاحبه مطبوعاتی نیز شرکت کرد. فسنجانی در مقابل این سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که آیا سفرش تلاشی برای شکست انزوای جمهوری اسلامی است، ادعا کرد که رژیم منزوی نیست و تفاهم‌های اقتصادی و اجتماعی بدست آمده در این سفر را دلیلی بر صحت این مدعا دانست.

فسنجانی در ادامه سفر خود به بنگلادش رفت. ایجاد نزدیکی بیشتر میان اکو (سازمان همکاری‌های اقتصادی) و سارک (اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا) از عمده‌ترین خواسته‌های مطرح شده از جانب مقامات بنگلادشی بود. هیئت ایرانی ۱۵ قرارداد به ارزش صدها میلیون دلار با بنگلادش منعقد کرد.

جباری در دادگاه اسرائیل محاکمه می‌شود

کرده بودند که رضا جباری را جهت تعیین سرنوشت وی در اختیار مقامات صلیب سرخ جهانی قرار خواهند داد. مقامات دولت اسرائیل در مورد علت تغییر تصمیم خود توضیحی ندادند. مقامات اسرائیلی علت محاکمه را هوپسارائی خوانده‌اند.

سفر ۹ روزه‌ی هاشمی فسنجانی رئیس جمهوری اسلامی ایران به ویتنام، فیلیپین و بنگلادش بازتاب وسیعی در رسانه‌های همگانی رژیم یافت. آنان این سفر را که در واقع به قصد خروج از انزوای سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی صورت گرفت، بسیار موفقیت‌آمیز و پر دست‌آورد قلمداد کردند. فسنجانی را در این سفر نمایندگان بخش خصوصی همراهی می‌کردند. در سفر به ویتنام چهار کمیته‌ی مشترک در زمینه‌های صنعت، بانک، تجارت و کشاورزی تشکیل شد. اما بیشترین توافق‌ها در زمینه‌ی کشاورزی صورت گرفت. دیدار از فیلیپین نیز به خاطر عضویت ایس‌کنسور در پیمان اقتصادی «آسه‌ان» با اهمیت تلقی شد. امکان صدور محصولات تولیدی فیلیپین از راه ایران به آسیای میانه، سرمایه‌گذاری مشترک در صنعت نفت، پتروشیمی و ذخیره‌سازی نفت ایران در

رضا جباری هوپسارای ایرانی که یک هوپسارای مسافربری خطوط هوایی ایران را ربوده و پس از پرواز از فراز خاک عرستان سعودی و اردن در فرودگاهی در اسرائیل وادار به فرود کرده بود، در دادگاه اسرائیل محاکمه خواهد شد. مقامات اسرائیلی ابتدا اعلام

امکان اشتراک شبکه «اینترنت»

مزبور بالغ بر ۵۰۰ هزار ریال است. به این طریق مشترکین ضمن بهره‌برداری از سرویس مکاتبات الکترونیک شبکه، می‌توانند به ۴ هزار پایگاه اطلاعاتی موجود در این شبکه دسترسی داشته باشند.

فعالیت شرکت تبلیغاتی «کارپی» ممنوع شد

ترویج فرهنگ مبتدل مصرف و تبلیغ کالاهای خارجی مورد موافقت قرار نگرفته است. به گزارش روابط عمومی استانداری تهران، پرونده‌ی تخلفات شرکت تبلیغاتی «کارپی» در نیروی انتظامی و مراجع قضایی در دست رسیدگی است.

روز چهارشنبه ۱۲ مهر ۷۴ (۵ اکتبر ۹۵) مهندس شهاب‌الدین در گفتگویی با خبرنگار روزنامه سلام گفت امکان اشتراک شبکه جهانی «اینترنت» در سطح کشور فراهم شده است. این امکان برای مشترکان شبکه «دیتا» به وجود آمده است. وی گفت هزینه اشتراک شبکه

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران اعلام کرد فعالیت بزرگترین شرکت تبلیغاتی تهران «کارپی» که موفق به کسب مجوز از هیأت نظارت بر کانون‌های آگهی‌های تبلیغاتی نشده، ممنوع است. بگفته‌ی وی درخواست کسب مجوز ۵ شرکت تبلیغاتی به دلیل

قیمتها همچنان در حال افزایش است

● سیاستهای تازه دولت در مهار تورم بی نتیجه بود

معمولی تا ۲۵۰ تومان رسیده و قیمت هر متر روپوشی مدارس بین ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان است.

تورم تا ۱۰۰ درصد

محسن نوربخش رئیس بانک مرکزی دو هفته پیش اعلام کرد که نرخ تورم در یکسال گذشته حدود ۵۴ درصد بوده است. اعتراف به این میزان از تورم، در حالیکه تاکنون تورم بیش از ۱۹ - ۱۸ درصد مورد پذیرش مقامات نبود، بخودی خود قابل توجه است. اما واقعیت بازهم طور دیگریست. آمار منتشره در روزنامه‌های وابسته به حکومت از

بهای کالاها و خدمات مصرفی مردم در چند هفته گذشته بار دیگر رو به افزایش گذاشت و سیاستهای تازه دولت در کنترل نرخ ارز و واردات و صادرات که در اساس برای مهار تورم و جلوگیری از افزایش بی‌سابقه قیمتها اتخاذ گردید، جز توقف کوتاه و چند هفته‌ای در افزایش قیمتها، نتایج دیگری ببار نیاورد. ضمن آنکه، سیاستهای جدید آسیب‌های جدی بر صادرات غیرنفتی کشور بویژه صادرات فرش وارد آورد.

به گزارش روزنامه‌های وابسته به حکومت، بهای دهها قلم از کالاهای اساسی از جمله: گوشت، روغن، تخم‌مرغ، برنج، حبوبات، میوه، نوشت‌افزار، حمل‌ونقل و لوازم برقی خانگی ظرف چند هفته گذشته به میزان زیادی افزایش یافته است. در تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور مردم گوشت گوسفند را کیلویی تا ۱۱۵۰ تومان و گوشت گاو را ۱۳۰۰ تومان خریداری می‌کنند. بهای هرکیلو برنج داخلی ۴۰۰ تا ۵۳۰ تومان و برنج وارداتی ۳۶۰ تا ۴۱۰ تومان است. کوپن بسیاری از کالاهای اساسی یا عرضه نمی‌شود و یا در صورت عرضه، کالا برای تحویل به مردم وجود ندارد.

دلایل عمده این گرانی و کمبودها از یکسو کاهش واردات و در برخی موارد عدم واردات کالا و از سوی دیگر رکود در تولیدات داخلی است. به عنوان مثال در ۶ ماه گذشته دولت اقدام به وارد کردن گوشت بسمیزانی که در بودجه امسال پیش‌بینی شده، نکرده است.

افزایش بهای لوازم مدرسه و نوشت‌افزار بحدی است که بسیاری از خانواده‌ها قادر به تهیه وسایل مورد نیاز فرزندان مدرسه‌رو خود نیستند. بهای یک دفترچه صبرگر

افزایش قیمت‌ها در مورد کالاهای اساسی نشان‌دهنده نرخ بالای ۱۰۰ درصد تورم در مورد کالاهای پرمصرف مردم است. بهای مقایسه‌ای برخی از این کالاها در دو تاریخ به فاصله یکسال در جدول زیر به نقل از روزنامه «رسالت» ارگان جناح غالب در حکومت اسلامی آمده است

بلیط پروازهای خارجی نیز گران شد

شرکت هواپیمایی ملی ایران (ایران ایر) بهای بلیط پروازهای خارجی خود را بمیزان ۳۰ درصد

نام کالا	واحد	قیمت در تاریخ ۷۳/۷/۳	قیمت در تاریخ ۷۴/۷/۳
گوشت گوسفندی	کیلو	۳۵۰۰ - ۵۵۰۰	۸۵۰۰ - ۱۱۵۰۰
گوشت گاو	کیلو	۵۳۰۰ - ۶۳۰۰	۱۰۷۵۰ - ۱۳۰۰۰
پنیر داخلی	کیلو	۳۵۰۰ - ۳۲۵۰	۷۰۰ - ۵۵۰۰
روغن نباتی	حلب	۲۱۰۰۰ - ۱۳۰۰۰	۲۱۰۰۰ - ۱۹۰۰۰
سوسیس	کیلو	۲۸۰۰ - ۳۰۰۰	۸۵۰۰ - ۵۵۰۰
کالباس	کیلو	۲۸۰۰ - ۲۹۰۰	۹۰۰۰ - ۴۸۰۰
برنج وارداتی	کیلو	۱۳۰۰ - ۱۱۰۰	۴۱۰۰ - ۳۶۰۰
برنج داخلی	کیلو	۲۲۰۰ - ۱۷۵۰	۵۳۰۰ - ۴۰۰۰
ماکارونی	بسته	۸۰۰ - ۵۵۰	۱۱۰۰ - ۷۰۰
سیب زمینی	کیلو	۳۵۰ - ۲۰۰	۷۰۰ - ۴۵۰
لویا چیتی	کیلو	۱۲۰۰ - ۹۹۰	۴۵۰۰ - ۳۷۰۰
لپه	کیلو	۱۸۰۰ - ۱۴۵۰	۴۹۵۰ - ۴۳۰۰
نخود	کیلو	۱۶۰۰ - ۱۳۵۰	۴۳۰۰ - ۳۳۰۰
دفترچه صبرگر معمولی	عدد	۱۵۰۰ - ۵۰۰	۲۵۰۰ - ۶۸۰
روپوش مدارس	متر	۶۵۰۰ - ۳۰۰۰	۱۲۰۰۰ - ۷۰۰۰

بیش از نیمی از اراضی قابل کشت کشور بی استفاده مانده است

دوم قرار است سالیانه ۲۰۰ هزار هکتار از این اراضی زیر کشت برود. اگر دولت موفق به اجرای این برنامه شود، پس از ۵ سال تنها یک میلیون هکتار دیگر به زمینهای زیر کشت افزوده خواهد شد که با توجه به رشد جمعیت، کشور همچنان نیازمند واردات گندم و سایر محصولات کشاورزی از خارج، که همه ساله باید افزایش یابد، خواهد بود.

بنابر آمارهای وزارت کشاورزی، حدود ۵۱ میلیون هکتار زمین قابل کشت در کشور وجود دارد که تنها ۱۹ میلیون هکتار آن زیر کشت آبی یا دیم و بصورت ایش قرار دارد. هم‌میتور، از میزان آب زراعی در دسترس نیز تنها ۳۰ درصد آن مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و بقیه هز می‌رود. بنا به اظهارات رئیس سازمان امور اراضی وزارت کشور، در برنامه

۱۵ هزار اتومبیل وارداتی باید برگردانده شود

مقررات صادرات و واردات و ثبت سفارش وارد گمرکات شده‌اند. از قرار، سفارش و خرید این اتومبیل‌ها به دورانی برمی‌گردد که مقامات حکومت اسلامی دلگرم از پشتوانه مالی خیالی در داخل و اعتبارات سخاوتمندانه خارجی سرکشی‌ها را حسابی شل کرده بودند، اما دیری نباید که ورق‌ها برگشت و دوران فلاکت سر رسید.

۱۵ هزار دستگاه انواع اتومبیل خارجی که بیش از یکسال است وارد کشور شده و در محوطه سرباز گمرکات جنوب خاک می‌خورند، بنا به دستور دولت باید تا ۱۵ اکتبر به خارج بازگردانده شوند. گمرکات اعلام کرده است علت اجبار شرکت‌های واردکننده برای بازگرداندن اتومبیل‌ها آنست که این خودروها بدون رعایت قانون و

درسهایی از زندگی...

هستند که رویهم تلنبار شده و خود جهان را به افتادن در کام یک چنگ تمام عیار تهدید می‌کنند.

این امر مهم است وقتی که کسی زورگویی را محکوم می‌کند دچار افراط دیگری نباید بشود. در اینجا هم نگهداشتن حد و اندازه، مثل بقیه‌ی مسائل دیگر، ضرورت دارد. متأسفانه جامعه‌ی امروزین ما بدون استفاده از انواع مختلف فشار نمی‌تواند زندگی کند. اما آنها باید دقیقاً سبک و سنگین شوند و نکته‌ی خیلی مهم اینکه کاربرد آنها باید با قانون کاملاً منطبق باشند.

در قانون اراده‌ی مشترک و توافق شده‌ی خلق و نمایندگان آنها تجلی می‌یابد. وقتی صاحبان قدرت اصلاحات را یکم قانون پیش ببرند خود احساس امنیت می‌کنند و بهمان صورت شهروندان هم چنین احساسی خواهند داشت. بعضی اینکه از این اصل فاصله گرفته شود و بعضی اینکه در راه خود رأیی قدم گذاشته شود، آثارش، عدم انعطاف و خونریزی غیر قابل اجتناب خواهند بود.

در اینجا می‌خواهم از ایده‌ی دیگری که مسیر فعالیت سیاسی مرا مشخص کرد صحبت کنم: تفکر نوسازی. بزرگترین نقص سیستم قدیم در ناتوانی‌اش در نوسازی خودش بود. بعد از کنکری بیستم حزب به بدترین جریان یعنی سرکوب عمومی نقطه‌ی پایان گذاشته شد. اما روح پلید جادوگر یعنی انحصار قدرت و در واقع انحصار قدرت در دست محافل کوچکی از افراد هیئت سیاسی دست نخورده باقی ماند. این امر حوزه‌ی دید صاحبان قدرت را شدیداً محدود کرد و از آنها آدم‌های از خودراضی ساخت و شانس تغییرات در اقتصاد، سیاست و سایر عرصه‌ها را به حداقل کاهش داد.

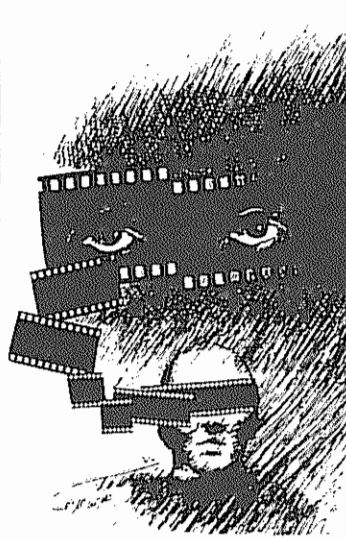
ضرورت اینکه مدام نبض زندگی را حس کنیم و به طرافت به آن گوش دهیم و در مقابل وظایف جدید بموقع عکس‌العمل نشان دهیم فقط برای روس‌ها صادق نیست. من به شهوندگام در بیشتر کشورهای جهان اغلب گفته‌ام که نوسازی باید کل جامعه‌ی امروزین را دربرگیرد. هم اکنون با چشمان حیرت‌زده شاهدیم که تغییرات شگرفی در تکنیک، در رابطه‌ی بین انسان و طبیعت، در اداری و جامعه و کشور و در نظم جهانی در شرف وقوع است.

شوری در مسابقه‌ی جهانی از غرب عقب ماند زیرا کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی در سال‌های ۶۰ به ضرورت تغییرات ساختاری، تکنولوژی نو و نوسازی کل سازمان تولید پی برده بودند. اکنون در غرب نیز نیاز به تغییرات اجتماعی خود را نشان می‌دهد. بار دیگر جوانان از وضعیت موجودشان ناراضی‌اند. دوباره مردم خود را با مسائل خودگردانی و روابط بین ملیت‌ها درگیر می‌بینند و مواضع سنتی محافظه‌کاران، لیبرال‌ها، سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها و دموکرات مسیحی‌ها چو آب مناسی به این مسائل نمی‌دهند: آنها دیگر پایه‌ی بدرده‌خوری برای یک سیاست عملی نیستند.

لذا باید سطح فکرم‌ان را ارتقاء دهیم و روی یک فرضیه‌ی جدید و جهانشمول کار کنیم. مهمترین سؤال این است که: آیا جستجو در پی راه‌های نوسازی جهان در کشورها و مناطق مختلف بطور مستقلاً باید پیش رود و یا اینکه بطور جمعی پی این موضوع گرفته شود؟ برتری‌های یک مثنی جمع‌گرایانه در معرض دید همگان قرار دارد ولی در بدو کار اطمینان نمی‌توان داشت که خودخواهی، تلاش برای زنده‌مان و خود را به تنهایی نجات دادن دست بالا را پیدا نکند. من طرفدار این بوده و هستم که ملت‌ها مشکلات آینده‌شان را با همکاری هم و تأثیرگذاری رویهم حل کنند و در حد توانم خواهم کوشید که در مقامی که دارم، به‌عنوان مسئول صلیب سبز بین‌المللی از این ایده پشتیبانی کنم و همچنین بنیاد کارآچف نیز در خدمت همین هدف خواهد بود.

رهرو

خوابهای تازه برای سینمای ایران!



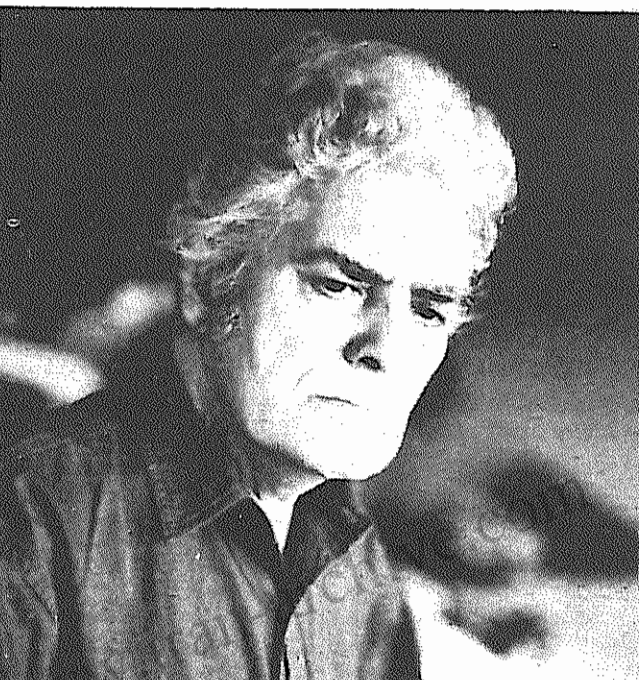
سینمای ایران به ویژه در پنج، شش سال اخیر با تناقض عجیبی دست به گریبان بوده است. فیلمهای برتر این سینما گرچه اغلب در خود ایران اجازه نمایش نمی یافته اند، اما قسماً با هدف چهره آرایشی و کسب آبرو برای رژیم به جشنواره های مختلف جهان فرستاده شده اند و خبر موفقیت آنها را هم نشریات رژیم در بوق و کرنا دمیده اند و آن را ثمره سیاست های فرهنگی حکومت اسلامی معرفی کرده اند. این در حالی است فشارها و محدودیت های رژیم در داخل، کارگردانان خبره و خوش ذوقی همچون بهرام بیضایی را از ساختن فیلم رویگردان کرده، فیلمهای کیارستمی را به ارشویهای مهر و موم شده فرستاده و مخملباف را عمدتاً به کار مستندسازی واداشته است و ... ظاهراً اما قرار نیست که کار به همین جا خاتمه یابد. حرفهایی که حمید خاکبازان مدیر کل اداره نظارت و ارزشیابی معاونت سینمایی وزارت ارشاد اسلامی اخیراً در حضور «هیئت هنرمندان مسلمان» بر زبان آورده و به طور دست و پا شکسته در نشریات رژیم نقل شده حاکی از تدارک فشارها و محدودیت های بیشتر برای سینمای ایران است. خاکباز از جمله به این مسئله اشاره می کند که از سال آتی فیلمنامه هایی که برای تصویب به وزارت ارشاد ارائه می شوند باید صحنه ای از برگزاری نماز هم در خود داشته باشند. وی سپس به «هنرمندان مسلمان» وعده می دهد: «شما در جشنواره سینمایی (فجر) امسال شاهد آئین نماز در فیلمها خواهد بود». به دیگر سخن هر فیلمنامه نویسی باید از این پس فیلمنامه

خود را چنان تدوین کند که جبراً یک وعده نماز در آن باشد تا در تصویب آن از سوی وزارت ارشاد مشکلی پیش نیاید و شانس راه یابی به جشنواره فیلم را پیدا کند.

در میان رژیمهایی که کوشیده اند ایدئولوژی خود را به خلاقیت های هنری نیز تحمیل کنند، جمهوری اسلامی از بدترین آنهاست. اما از آنجا که ذات هنر واقعی تحمیل و تحکم را بر نمی تابد تلاش و تقلای این رژیم نیز کمتر قرین موفقیت است. هنرمندان آگاه ما همانگونه که از بازتاب دیدگاههای زن ستیز حکومت اسلامی و با خرافات مورد قبول آن در فیلمها با زیرکی و هوشمندی خویش به این یا آن اندازه طفره رفتند، تحمیل آئینها و مراسمی که جنبه فردی دارند و رژیم قصد بهره برداری سیاسی از آنها را دارد را نیز نخواهند پذیرفت.

کنگره بزرگداشت احمد شاملو

از سوی انجمن نویسندگان ایرانی کانادا روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر در شهر تورنتو این کشور برای بزرگداشت احمد شاملو کنگره ای برگزار گردید که «انجمن ایرانیان اونتاریو» نیز در برپایی آن همکاری داشتند. شاملو بهمن ماه امسال با به دهه هفتاد عمر خود می گذارد و از این رو برگزاری کنگره ای برای بزرگداشت خدمات وی به ادبیات و فرهنگ پیشرو ایران اقدامی بجای و ستودنی و نقض این سنت نادرست است که از بزرگان ادب و علم و هنر در ایران معمولاً پس از خاموشی آنها قدردانی و تجلیل به عمل می آید. در کنگره کانادا شاعران و نویسندگان زیر در باره وجوه فعالیت های فرهنگی و ویژگیهای شعر شاملو سخن گفتند:



از سوی انجمن نویسندگان ایرانی کانادا روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر در شهر تورنتو این کشور برای بزرگداشت احمد شاملو کنگره ای برگزار گردید که «انجمن ایرانیان اونتاریو» نیز در برپایی آن همکاری داشتند. شاملو بهمن ماه امسال با به دهه هفتاد عمر خود می گذارد و از این رو برگزاری کنگره ای برای بزرگداشت خدمات وی به ادبیات و فرهنگ پیشرو ایران اقدامی بجای و ستودنی و نقض این سنت نادرست است که از بزرگان ادب و علم و هنر در ایران معمولاً پس از خاموشی آنها قدردانی و تجلیل به عمل می آید. در کنگره کانادا شاعران و نویسندگان زیر در باره وجوه فعالیت های فرهنگی و ویژگیهای شعر شاملو سخن گفتند:

قانون واقعی مطبوعات به روایت گل آقا

طنز آمیز آن رونوشت قانون نا مکتوبی است که هم اینک بر حیات مطبوعات ایران حاکم است و جناح رسالت نسخه مکتوب آن را به مجلس ارائه کرد. بخشهایی از قانون پیشنهادهی گل آقا را در زیر می خوانید.

فصل اول: تعریف مطبوعات

ماده (۱): مطبوعات در این قانون، عبارت اند از نشریاتی که اگر کاغذ گیر بیاورند و بتوانند از پس مشکلات هزینه کمرشکن نشر برآیند، شاهکار کرده اند! (یعنی منتشر می شوند)!

فصل دوم: رسالت مطبوعات

ماده (۲): رسالتی که مطبوعات بر عهده دارند، بر دو نوع است:

اول - ترویج افکار عمومی از طریق چاپ آگهی های تسلیت، آگهی های تجاری، رپرتاژ آگهی، چاپ عکس دانش آموزان شاگرد اول (و چه بسا شاگردان دوم و سوم و چهارم و ممتاز!) و همچنین آگهی های مناقصه و مزایده و غیره ...!

دوم - و غیره ...

فصل سوم: حقوق مطبوعات

ماده (۳): مطبوعات حق دارند با رعایت شرایط زیر، نظرات، انتقادات و پیشنهادها را در هر زمینه ای، آزادانه مطرح کنند به شرط این که:

اولاً: نظرات، پیشنهادهای و علی الخصوص انتقادات، «سازنده» باشد!

در ثانی: به کسی بر نخورد

تبصره ۱ - انتقاد سازنده انتقادی است که سازنده باشد! تبصره ۲ - سازندگی! و میزان

آن را مسئولان روابط عمومی اداره جات! تعیین می کنند

ماده (۴): هیچ مقام دولتی و غیر دولتی، حق سانسور مطبوعات را ندارد.

تبصره - حدود خود سانسوری را خود مدیران جراید، فوت آند!

ماده (۵): تمیزی در کار مطبوعات، مطلقاً ممنوع است، و هیچ مقام مسئولی، به هیچ وجه من الوجوه، مستقیم یا غیر مستقیم، حق میزری مطبوعات را ندارند. در صورت عدم رعایت این ماده: مسئول مربوطه با یک اشاره صاحب نشریه مربوطه، بلافاصله از پست خود خلع، و به آن جا فرستاده می شود که عرب نمی انداخت. اجرای مفاد این ماده، مشروط است به رعایت دقیق موارد زیر: مدیر هر نشریه باید یک «کلیم» در اتاقش بیندازد. طول و عرض کلیم، متعاقباً اعلام خواهد شد.

تبصره ۱ - انتشار مطلبی در جراید که ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم، بر خورنده باشد، یا احتمال بر خورنده بودن آن داده شود، یا بر خورنده نباشد و احتمال بر خورنده بودن آن هم نرود، و در هر حال به کسی بر بخورد یا نخورد ... خوبیت ندارد!

تبصره ۲ - کار از محکم کاری عیب نمی کند!

تبصره ۳ - سری را که درد نمی کند، دستمال نمی بندند!

تبصره ۴ - ادم عاقل باید حواسش را جمع کند!

ماده (۶): کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ

پیرامون قانون جدید ممنوعیت استفاده از واژه های بیگانه عربی که زبان بیگانه نیست!

از جمله «رده آوردهای» حکومت اسلامی برای جامعه ما یکی هم تزریق انبوهی از واژگان عربی به زبان پارسی رسمی و غیر رسمی است. لغاتی همچون مستضعف، مستکبر، استکبار، طاغوت، یاغی، محارب، هجمه، منسی، تعزیرات، ولایت مطلقه، قصاص و واژه های دیگر از جمله واژگانی هستند که با به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی بر یافت زبان پارسی تحمیل شده اند و بسیاری از مردم جز از طریق رجوع به فرهنگنامه ها و یا سؤال از خود آخوندها معنی آنها را در نمی یابند. درواقع اگر انقلاب مشروطیت سرفصل پیدایش زبان پارسی (و به ویژه نشر پارسی) از انبوه لغات عربی ای بود که منشیان درباری و عربی ما بها از قرن پنجم به این سو وارد این زبان کرده بودند، به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و سوار شدن فقها بر گرده سیاست برای زبان ما چرخشی به عقب و به پیش از انقلاب مشروطیت بود. جمهوری اسلامی عربی دانی و عربی مایی را به فضیلت افراد بدل کرد و در سیستم آموزشی کشور زبان عربی را نسبت به سایر زبانها الویت بخشید؛ به فردوسی، این پاسدار سترگ زبان پارسی تا مدتها اهانت روا داشت.

به لحاظ قانونی نیز از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۸ هیچ مرجع قانونی برای حمایت و پاسداری از زبان فارسی وجود نداشت و تنها در این سال بود که فرهنگستان زبان با اعضای محدود و کارکردی نسبتاً ضعیف کار را آغاز کرد. سه هفته پیش قانونی به تصویب مجلس اسلامی رسید که بر اساس آن به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه در مکاتبات، سخنرانیها و یا در نامیدن تولیدات صنعتی، کشاورزی، مواد خوراکی و لوازم خانگی ممنوع اعلام شد. این قانون در نگاه اول این امید را برمی انگیزد که جمهوری اسلامی از ستیز ۱۷ ساله خود با زبان پارسی روی بر تافته و اینک در پی پشتیبانی و تقویت آن برآمده است. اما دم خروس خیلی زود نمایان شد. نگاهی به مفاد طرح و مباحثات پیرامون آن تغییر و تفسیرهایی که روزنامه های نزدیک به حکومت بر آن نوشته اند این امیدها را نقش بر آب کرد. و معلوم شد از نظر قانون نویسان عربی زبان بیگانه محسوب نمی شود! نمونه ای از پرسش مردم و پاسخ حکومتیان در روزنامه سلام به چاپ رسیده است. مردم می پرسند: «به چه دلیل واژه های عربی باید جایگزین واژه های غربی شوند؟ مگر عربی هم زبان خارجی نیست؟ آیا عربی زبان رسمی کشور ماست؟»

سلام پاسخ می دهد: «در حالی که منابع اصلی این هزار و چند صد ساله مردم ایران یعنی قرآن کریم و روایات و احادیث رسیده از پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم علیهم السلام به زبان عربی است، و در حالی که گرانها ترین ذخائر ادبی، عرفانی، اخلاقی، تاریخی و ... ما پر از کلمات عربی است، و در حالی که تمامی قوانین کشور و نیز قانون اساسی که میثاق عمومی میان آحاد ملت و نیز میان دولت و ملت است مشحون از کلمات عربی است و بالاخره در حالی که بسیاری از کلمات عربی در زبان فارسی وارد شده است قابل فهم تر از برخی کلمات فارسی است سؤال این خواننده محترم عجیب تر می نماید، اگر قرآن و نهج البلاغه برای مردم ایران، خارجی است، زبان عربی هم برای مردم ایران خارجی است؟! اگر قرآن و نهج البلاغه و احادیث پیامبر و ائمه طاهرین علیهم السلام را می شود از مردم ایران گرفت کلمات عربی را هم می شود از زبان فارسی خارج کرد».

این استدلالات برای خودی جلوه دادن زبان عربی، سست تر و بی مایه تر از آن است که به پاسخگویی نیازی داشته باشد. درواقع همین نوع نگاه و نگرش بود که از قرن پنجم به این سو راه ورود بی حساب و کتاب واژه های عربی و نیز اصول نحو و مبانی دستوری آن به زبان پارسی را گشود و با فلج کردن زبانی و تواناییهای زبان پارسی آن را از پویایی طبیعی خود بازداشت.

سخن در اینجا بر سر نفی داد و ستد واژگانی در میان زبانها نیست. درواقع یکی از عوامل توانایی هر زبانی در همین داد و ستدها با زبانهای دیگر نهفته است. منتها اگر این داد و ستدها به جاده ای یکطرفه بدل شد و واژه های بیگانه به صورتی غیر ضروری و آن هم تنها به خواست یک گروه اجتماعی مشخص با همه ترکیبات و مشتقاتشان وارد زبان مهمان شدند به صورت سمی مهلک برای این زبان در می آید. و این همان ستمی است که حکومت اسلامی بر زبان پارسی روا می دارد.

دومین فستیوال تئاتر ایران در آلمان برگزار می شود

دومین فستیوال تئاتر ایرانی امسال از ۳ اکتبر تا ۵ نوامبر در اورانیا (Urania Theater) شهر کلن برگزار خواهد شد و دستکم ۱۱ گروه تئاتر ایرانی و خارجی از داخل و خارج از آلمان نمایش های متنوعی را به صحنه خواهند برد. برگزاری جلسات نقد و بررسی و نمایش خوانی و سخنرانی نیز از دیگر بخش های این فستیوال خواهد بود.

هدف فستیوال مزبور به گفته دست اندکارانش معرفی فرهنگ نمایشی ایران، کمک به ادامدهی ارتباط ایرانیان مهاجر با فرهنگ داخل کشور و ایجاد ارتباط با دیگر فرهنگها جهت همزیستی دوستانه با دیگر انسانهاست. برخی از نمایشهایی که به فستیوال راه یافته اند از این قرارند:

«کثافت» نوشته روبرت اشنایدر به کارگردانی محمد علی بهبودی «کمک! آدمها می آیند»

نویسنده و کارگردان: نجاتی شاهین، «پرومته» نوشته اشیلوس به کارگردانی مجید فلاح زاده، «رابطه آزاد زناشویی» نوشته فراد کارامه رادیرنو به کارگردانی ایرج زهری، «نوازندگان دوره گرد در عصر جدید» نویسنده و کارگردان: عطاء گیلانی، «مرگ یزدگرد» نوشته بهرام بیضایی به کارگردانی پرویز برید، «آخرین نامه» نوشته نسیم خاکسار به کارگردانی هاید ترابی، «عاقبت قلمفرسایی» نوشته غلامحسین ساعدی به کارگردانی اصغر نصرتی و چندین تئاتر و برنامه نمایشی دیگر.

علاقتمندان می توانند با برگزارکنندگان فستیوال از طریق آدرس زیر ارتباط برقرار کنند:

M.M.Fallahzadeh
Von Guericke Alle 19
53125 Bonn
Germany
Tel: ۰۰۴۹۲۲۸۲۵۶۷۲۰

انتخابات مجلس شورای اسلامی یا انتخابات مجلس مؤسسان

محمود راسخ

انتقاد قرار می‌داد و با این استدلال که بدون توجه به فرهنگ و سنن توده مردم در ایران نمی‌توان گامی به پیش برداشت، التقاطی از جنبه‌های «خوب» سرمایه‌داری و سوسیالیسم تخیلی و اسلام پالوده شده از خرافات را به عنوان الترناتیو سیاسی - اجتماعی تبلیغ می‌کرد. دکتر علی شریعتی همین اهداف را در سخنرانیهای خود در حسینیه ارشاد و در نوشته‌هایش با صراحت بیشتری از آل احمد مطرح می‌ساخت. مظهری به عنوان سخنگوی روحانیون روشنفکر خود را با نظریات مدرن درگیر می‌ساخت و می‌کوشید با پذیرفتن دستاوردهای علوم جدید نشان دهد که میان آن دستاوردها و قوانین و فلسفه اسلام نه تنها مغایرتی وجود ندارد، بلکه آن همه مؤید درستی فلسفه و احکام اسلام است. این مبلغان وجود سلطه، زور، فساد، استثمار، نابرابری، بدبختی، استثمار و الخ، در کشورهای غربی و «سوسیالیستی» که بسیاری از جوانان آنها را به عنوان تنها الگوهای اجتماعی می‌انگاشتند، برجسته می‌ساختند تا اسلام را به عنوان تنها راه رستگاری آدمی عرضه دارند. این افراد با کوشش و فعالیت‌های خود رفته رفته آن روح زمان (Zeitgeist) را که در فرایند انقلاب خودنمایی کرد، پدید آوردند. بدین سان در تلاشی با دگرگونیهای که در بطن جامعه ایران طی دهه‌های ۲۰، ۳۰ و ۴۰ به وقوع پیوست و آنچه هنوز از مناسبات جامعه کهن باقی مانده بود را تا حد زیادی از بین برد و به ویژه مهمترین سنگر آن یعنی مناسبات ارباب - رعیتی، رستائیزی مذهبی در حال شکل‌گیری و رشد بود که اسلام را نه فقط برای رستگاری در آن جهان، بلکه به عنوان تنها طریقت رستگاری در این جهان نیز تبلیغ می‌کرد. و هر چه نشانه‌های شکست سوسیالیسم روسی و چینی آشکارتر می‌گردید و به عنوان الترناتیو رنگ می‌باخت و سرمایه‌داری ناقص الخلقه ایران نیز به بن بست نزدیکتر می‌شد، این دکتترین التقاطی جنبش اسلامی که تصور می‌کرد بهترین و مثبت‌ترین جنبه‌های هر دو سیستم سرمایه‌داری و سوسیالیسم روسی - چینی را دستچین کرده و با اسلام ترکیب ساخته و بدین ترتیب بهترین جهان جهانی را ساخته است بخش بیشتری از مردم به ویژه جوانان ناراضی و تشنه اصلاحات و پیشرفت را به خود جلب می‌نمود.

تأمل در مسایل فوق و توجه به این واقعیت که هیچ جنبش و حرکتی در اذهان خالی از اندیشه و امید به آینده رخ نمی‌دهد، این امر را محقق می‌سازد که اپوزیسیون ملی و چپ دموکرات باید بکوشد تا با حضور فعال خویش در عرصه مبارزه خود را در اذهان مردم زنده نگه دارد و به شکل دادن به افکار سیاسی آنان نقشی اساسی ایفا نماید. بدین منظور باید شکل و حدود فعالیت خود را در هر زمان با امکانات موجود منطبق سازد. حتی اگر لازم آید ملایم‌ترین زبان را انتخاب نماید. دیگر آنکه کافی نیست که این اپوزیسیون فقط خواستهای کلی مانند آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و جز آن را مطرح سازد. هر چند طرح آنها ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. ولی تکرار این واژه‌ها به استهلاک آنها انجامیده و آنها را کند کرده و این واقعیت که همه بخشهای اپوزیسیون از پهلویست‌ها، این مستبدان پیشین، تا فرقه «برادر مسعود» این کاریکاتور مسخره ولایت فقیه، همه در حسرت استقرار آزادی و دموکراسی در ایران می‌سوزند، و تجربه انقلاب، که نشان داد اپوزیسیون مبلغ آزادی می‌تواند وقتی به قدرت رسید استبدادی مخوف‌تر از استبداد پیشین را مستقر سازد، موجب گردیده که این خواستها دیگر به تنهایی قادر نباشند جنبش و حرکتی را ایجاد نمایند. ملیون و چپ مترقی و دموکرات باید به تجزیه و تحلیل و بررسی معضلات و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تا آنجا که می‌شود شرایط سیاسی جامعه بپردازد تا از این طریق هم وضع موجود را مورد انتقاد قرار دهد و هم راه حل آنها را نشان دهد. فقط از این راه است که می‌توان به آگاهی مردم عمق بخشید، تربیت سیاسی آنان را ارتقا داد و همزمان خود را به صورت الترناتیو حقیقی نه مجازی در ذهن آنان حک نمود. زیرا اگر نیک ینگریم، تنها رفتن این نظام و آمدن نظامی دیگر به جای آن چاره ساز دردی از دردهای اساسی جامعه نیست. چنانکه تجربه نزدیک به صد سال مبارزه، از انقلاب مشروطه تا انقلاب بهمن، این حقیقت را به طور مکرر نشان داده است. بلکه مسئله اساسی این است که بدانیم چه تدابیر عملی لازم است تا آزادی و دموکراسی در ایران به صورت مستمر مستقر گردد و جامعه در راستای پیشرفت و ترقی گام نهد.

ادامه دارد

مشترک «کسار» شوید!

اختناق حاکمان مخالف باشند. این امری طبیعی و حتی می‌توان گفت غریزی است. نشان داشتن تربیت سیاسی آن است که مردم، دست کم بخش قابل ملاحظه‌ای از آن و حد اقل در کلیات بدانند که چه می‌خواهند و مهمترین آن چگونگی و از چه راه و با چه شیوه‌ای می‌توانند به آن خواستها دست یازند. این آگاهی نتیجه پروسه‌ای طولانی است. پروسه‌ای که طی آن شخصیتها، سازمانها و جریانهای سیاسی نظرات اجتماعی، سیاسی - اقتصادی - فرهنگی و طرحها و راه‌حلهای مشخص خود را در رابطه با مشکلات و معضلاتی که جامعه با آن روبروست مطرح می‌سازند و در فرایند بحث و گفتگو و رقابت و مبارزه با یکدیگر برای جلب پشتیبانی مردم قرار می‌گیرند. مردم نیز در این پروسه عواملی تنها گیرنده باقی نمی‌مانند. درجه رشد و آگاهی مردم نیز به نوبه خود سبب می‌شود تا جریانهای سیاسی از سطح کلی‌گویی و عوامفریبی گامی فراتر روند و به محتوای امور بپردازند.

بنا بر آنچه گفته شد آن بخشهایی از اپوزیسیون که ارتقای سطح آگاهی مردم و رشد سیاسی آنان را وظیفه خود و شرط اساسی برای حل صحیح مشکلات و معضلات جامعه می‌دانند باید از هر فرصتی برای شرکت در مبارزه روزمره استفاده جویند و راه‌حلهای خود را در چارچوب امکانات سیاسی نظامی خودکامه به مردم عرضه دارند تا مردم نیز بتوانند در مبارزه با استبداد و ارتجاع از میان انبوه «منجیان» آزا که به سود خود تشخیص می‌دهند انتخاب کنند.

نیروهای ملی و چپ مترقی و دموکرات نباید دوباره همان اشتباهی را تکرار نمایند که در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد در آستانه انقلاب در سال ۵۶ مرتکب گردیدند. در سالهای استبداد، ملیون و چپ مترقی و دموکرات نتوانستند اشکال مناسب مبارزه سیاسی روزمره را پیدا کرده به کار بندند. در نتیجه در داخل کشور از صحنه مبارزه به دور ماندند و انرا در اختیار اپوزیسیون مذهبی و چپ احساسی - عاطفی گذاردند. آنان هراس داشتند که اگر شیوه‌های ملایم مبارزه و خواستهای رفرمیستی و اشکال مورد پذیرش رژیم را در طرح نظریات خود انتخاب کنند، از جانب نیروهای رادیکال متهم به سازش با رژیم گردند. بدین ترتیب اپوزیسیون حاضر در صحنه به انحصار نیروهای مذهبی و چپ در عمل رادیکال ولی در نظریه نایخته و عاری از تجربه درآمد.

کسانی که می‌انگارند چاب آن نامه کذائی در روزنامه‌های رژیم پهلوی ایجادکننده انقلاب بود و رادیوی بی بی سی عامل ارتقاء خمینی به مقام رهبری و در نتیجه بشخصیدن رنگ و محتوای مذهبی به انقلاب، سخت در اشتباه‌اند. اینان فراموش می‌کنند که در تمام سالهای غیبت ملیون و چپ مترقی و دموکرات از صحنه سیاست، نیروهای مذهبی در صحنه حضور داشتند و نظریات خود را تبلیغ می‌کردند. البته از یک سو الزام شاه در محترم شمردن اعتقاد مذهبی مردم و همچنین استفاده از مذهب و روحانیت در مبارزه با چپ و از سوی دیگر سنن و شعائر مذهبی، آنها را در موقعیت بهتری از ملیون و به ویژه چپ قرار می‌داد تا در تماس با توده مردم باقی بمانند و به ترویج نظریات خود بپردازند. اعیاد و سوگواریهای مذهبی فرصتهای مناسبی بودند که مبلغان مذهبی به زبان مرسوم خود و به واسطه قیاسهای تاریخی - مذهبی شرایط موجود را مورد انتقاد قرار دهند و اسلام ناب، یعنی الگو و روابط جامعه اسلامی دوران حضرت محمد و علی را به عنوان راه حل مشکلات جامعه در قرن بیستم در ضمیر مردم برانند.

در سالهای بیست، دو عامل، یکی شرایط تغییر یافته اجتماعی محصول اقدامات رضا شاه، و دیگری گسترش سریع افکار چپ در میان جوانان، در میان بخشی از طلبه‌های جوان، به ویژه آنان که از شهرهای بزرگ برای آموزش علوم دینی به «حوزه‌های علمی» رفته بودند و جوانان مذهبی غیر روحانی، از موضعی دفاعی، فکر اصلاح دین، پیراستن و زدودن آن از خرافاتی که اخوندها طی قرون انرا بدان اغشته بودند و تطبیق آن با نیازهای زمانه، پدید آورد. از این پس تبلیغات مذهبی دیگر تنها در انحصار ملاهای «مرتجع» و خرافاتی باقی نماند. قشر تازمائی از درس خوانده‌های مذهبی در حال رشد و نمو بود که در علوم جدید آموزش می‌دید. بسیاری از افراد این قشر حتی در فرنگ به کسب علوم جدید مشغول شدند. کت و شلوار به تن می‌کردند، کراوات می‌بستند و صورت خود را تیغ می‌انداختند. این مذهبی‌های «مدرن» که بسیاری از آنان تمایلات چپی نیز داشتند ولی هم مخالف سرمایه‌داری بودند و هم مخالف کمونیسم، در اسلام ناب محمدی و علوی الترناتیوی می‌دیدند واقعی و برابر دو سیستم حاکم بر جهان. در سالهای خفقان بسیاری از این افراد در ایران از هر فرصتی برای تبلیغ نظریات خود سود می‌جستند. جلال آل احمد با نوشته‌های خود سرمایه داری و سوسیالیسم روسی را، که وی انرا سوسیالیسم به طور کلی می‌پنداشت، مورد

از بورژوازی شنید، پنداشت که فرجام سوسیالیسم بطور مطلق فرا رسیده. پس پائانش را اعلام داشت، دموکرات و آزادیخواه شد و به تعریف و تمجید از سرمایه‌داری مشغول گردید. این چپهای سابق، که معلوم نیست چرا بر چسباندن چپ به خود اصرار می‌ورزند، چون دیگر مرکز انقلابی در جهان باقی نمانده تا برایشان توری، خط و مشی و برنامه تدوین نماید، دیگر نه توری دارند نه برنامه و نه خط و مشی. گنج و سرگردان میان رژیم، پهلویست‌ها، ملیون و چپ دموکرات و مترقی در حال نوسان‌اند. برای استقرار آزادی و دموکراسی هم خواهان دیالوگ با رژیم ولایت فقیه‌اند و هم همزمان با پهلویست‌ها در حال نقشه‌کشی برای استقرار آن می‌باشند. هم ائتلاف با ملیون را تنها راه نجات می‌دانند و هم بر این باورند که بدون تشکیل چپ دموکرات، که البته خود را نیز جزئی از آن می‌دانند، در ایران استقرار آزادی و دموکراسی و تأمین عدالت اجتماعی امری اگر ناممکن دست کم بسیار مشکل است. و گاهی نیز از آنان شنیده می‌شود که تنها راه غلبه بر مشکلات ایران ائتلافی از تمام جریانهای سیاسی اپوزیسیون، چپ، ملیون و پهلویست‌هاست؟؟؟

باری! گفتم که نیروهای ملی و چپ دموکرات محور اصلی مبارزه با رژیم ولایت فقیه و استقرار آزادی و دموکراسی در ایران می‌باشند. همچنین گفتم که این دو نیرو از نیروهایی هستند که در برابرشان امکان انتخاب شیوه و استراتژی‌های متفاوت وجود دارد. اکنون می‌گویم که شیوه مبارزه در حله نخست باید طبیعتاً شیوه مبارزه مسالمت آمیز باشد. سلاح اصلی این مبارزه مراجعه به آرای آزاد مردم است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که چه موضوعی باید به رای آزاد مردم گذارده شود؟ کدام خواست و شعار مشخصی را باید برای مبارزه با استبداد ولایت فقیه در شرایط موجود انتخاب کرد؟ موضوعی که تاکنون پیشنهاد شده شیوه انتخاب ارگانهای انتخابی است مانند مجلس، ریاست جمهوری و جز آن و خواست و شعار پیشنهادی، «انتخابات آزاد مجلس شورای اسلامی». این خواست و شعار هم اکنون خواست و شعار رسمی اپوزیسیون در ایران است.

به هنگام بررسی انتخاب شعار و استراتژی مبارزه، باید ابتدا به این موضوع توجه داشت که میان اپوزیسیون داخل و خارج تفاوتی اساسی وجود دارد. این تفاوت، تفاوت درخواست و هدف نهائی آنان یعنی جایگزینی جمهوری اسلامی با یک جمهوری لائیک نمی‌باشد. این هدف مشترک آنهاست. بلکه تفاوت میان آنان تفاوت در شرایط و امکانات مبارزه است.

اپوزیسیون در داخل به طور مستقیم در زیر تیغ استبداد ولایت فقیه به سر می‌برد و آشکارا نمی‌تواند خواستهای نهائی و منویات قلبی‌اش را به طور وضوح بیان دارد. نیازی به گفتن ندارد که در اوضاع و احوال سیاسی کنونی آن دسته از اپوزیسیون داخل کشور که با اصل و بنیاد این رژیم مخالف است و آرزویش بر افتادن آن می‌باشد، نمی‌تواند این خواست را آشکارا بیان دارد و مردم را برای تحقق آن به مبارزه فرا خواند. در این شرایط دو راه بیشتر بیش یای این اپوزیسیون قرار ندارد. یا باید دست از مبارزه روزمره بشوید و سکوت اختیار نماید و در انتظار پدید آمدن شرایط مناسب جهت طرح خواست نهائی‌اش بنشیند و یا اگر لازم است که در مبارزه روزمره شرکت جوید و از هر امکانی برای وارد آوردن فشار بر حاکمان استفاده نماید و در هر کجا که ممکن است رژیم را به عقب نشینی وا دارد، مسایل، خواستها و شعارهایی را مطرح سازد که به آن، بدون آنکه با رژیم از در سازش درآید، امکان دهد در صحنه سیاست کشور حضور داشته اعمال و سیاستهای رژیم را مورد انتقاد قرار دهد و راه‌حلهای خود را مطرح سازد. البته آسان‌ترین راه برای اپوزیسیون درون کشور این است که تحت عنوان وفادار ماندن به اصول و نشان دادن خصلت سازش‌ناپذیری‌اش، هنگامی که نمی‌تواند خواست قلبی و هدف نهائی خود، یعنی براندازی رژیم را بیان دارد، لب فرو بندد، صحنه سیاست را ترک گوید و گوشه عزلت برگزیند. تا انشاءالله روزی روزگاری شرایط مناسب در نتیجه شورش خود انگیزه مردم پدید آید و آنوقت خانمها و آقایان رهبران پای به صحنه گذارند و مردم را رهبری نمایند!

ولی مردمی که خود انگیزه علیه رژیمی می‌شوند نه چنان رهبرانی را می‌شناسید و نه در خود نیاز پیروی از آنان را احساس می‌کنند. آنان در سر بیشتر هوای تخریب دارند و انرژی خود را در این جهت مصرف می‌کنند و کسانی را به رهبری خود برمی‌گزینند که با خصلت آن شورش همخوان بوده بیشتر در آتش کوره خشم و کین و نفرت آنان می‌دند. چنین شورشهایی تنها می‌توانند آنچه هست را خراب کنند. ولی لوازم، ابزار و آگاهی سازندگی ندارند. برای سازندگی آگاهی و تربیت سیاسی لازم است. ولی تربیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم فرایندی ارام و درازمدت است. نشان سیاسی بودن مردم آن نیست که با استبداد، زور و

لازمه هر مبارزه سیاسی داشتن هدف معین و روشن است و شعاری که آن هدف را به اختصار و روشنی برای مردم بیان دارد و راه و روش عملی رسیدن به آن. از نظر خواست و هدف سیاسی، مخالفان حاکمان کنونی به دو دسته تقسیم می‌گردند. یک دسته را می‌توان اپوزیسیون در چارچوب نظام جمهوری اسلامی نامید که خواستار حفظ این نظام است، ولی ادامه حیات آن را بدون انجام اصلاحاتی در سطح سیاسی که راهگشای حل معضلات اقتصادی باشد، غیر ممکن می‌دانند. و دسته دیگر، آن لایه‌هایی از اپوزیسیون که با هر انگیزه و به هر دلیلی، خواهان پایان دادن به این نظام و استقرار نظام دیگری به جای آند. فرقه رجوی و پهلویست‌ها، که به ریا خود را مشروطه‌خواه می‌خوانند چون در مدت پنجاه سال حکومت استبدادی خود بر ایران آنچه در نظر آنان ارزشی نداشت همانا قانون اساسی مشروطه بود، نیز به این دسته تعلق دارند. ولی هرچند، این بخش از اپوزیسیون پایان دادن به نظام کنونی را هدف فعالیت سیاسی خود قرار داده است، لیکن از نظر پیشینه، اندیشه و موقعیت سیاسی تفاوت‌های کیفی میان آنها در رابطه با تعیین شعار و شیوه مبارزه وجود دارد.

در برابر فرقه رجوی و پهلویست‌ها بیش از یک امکان برای دست یافتن به قدرت وجود ندارد: سرنگونی رژیم اسلامی با توسل به قهر. دلیل این امر آن است که نه برای فرقه رجوی و نه برای پهلویست‌ها راه دیگری، حتی به صورت بالقوه و در تئوری نیز وجود ندارد. مثلاً آنها نمی‌توانند طرفدار گفتگو با رژیم و یا طرفدار مبارزه برای برگزاری انتخابات آزاد باشند. نه به این سبب که در روش مبارزه سیاسی رادیکال هستند و انقلابی و استفاده از روشهای مسالمت آمیز را مناسب برای مبارزه با این رژیم ارزیابی نمی‌کنند، بلکه به این دلیل ساده و روشن که سردمداران رژیم اسلامی تحت هیچ عنوان و شرایطی نه حاضر به گفتگو با آنها می‌باشند و نه به طریق اولی موافق با شرکت آنها در انتخاباتی آزاد. فرض را بر این می‌گذاریم که زمینه‌های برگزاری چنین انتخاباتی فراهم آمده باشد.

بنا بر آنچه گفته شد، بحث و گفتگو و مشاجره بر سر گزیدن شیوه درست برخورد با حاکمان کنونی، و اتخاذ راه و سیاست واقعیت‌ناهن برای رهاندن جامعه از بن بستی که گرفتار آن آمده است و چگونگی فراهم آوردن پیش شرطهای سیاسی استقرار نظام دموکراسی استوار بر جدائی دین از دولت، می‌تواند تنها میان آن نیروهایی از اپوزیسیون انجام پذیرد، که الف) با اساس نظام کنونی مخالفند و ب) امکان برگزیدن راهها و سیاستهای گوناگون به رویشان گشوده. چون کسی که در برابرش تنها یک راه بیشتر وجود ندارد چاره‌ای نیز جز پیمودن همان یک راه را ندارد. این نیروها عمدتاً تا ملیون و چپهای مترقی و دموکرات تشکیل می‌گردد. این دو نیروی اجتماعی محور اصلی مبارزه با رژیم ولایت فقیه و استقرار آزادی و دموکراسی در ایران می‌باشد. پیشینه و سنت تاریخی ملیون روشن است و نیازی به توضیح ندارد. اما چپ مترقی و دموکرات چطور؟ آیا این چپ نیز دارای پیشینه و سنتی تاریخی به قدمت نیروهای ملی می‌باشد یا چپ دموکرات پدیده‌ای است تازه و نو؟ بسیاری می‌پندارند که چپ مترقی و دموکرات

پدیده‌ای است تازه، زاییده «بازنگری» تجربیات منفی چپ در فرایند انقلاب ۵۷ - ۵۶ و مهمتر از آن، فروپاشی سوسیالیزم واقعاً موجود. البته چنین باوری از پایه نادرست است. پیشینه چپ مترقی و دموکرات به آغاز جنبش ترقی خواهی و آزادی خواهی در ایران می‌رسد. این چپ اگر چه فراز و نشیبهای بسیاری را پیموده و در اشکال متفاوت متظاهر گردیده و در زمانهای مختلف طیفهای گوناگونی را شامل می‌گردیده است، ولی به عنوان جریانی اجتماعی ریشه‌ای پیوسته را تشکیل می‌دهد که از اجتماعيون - عاميون به حزب کمونیست و سپس در سالهای بیست به جریانهائی چند که انشعابیون از حزب توده به رهبری خلیل ملکی که بعدها نیروی سوم را برپا ساختند و پس از کودتای بیست و هشت مرداد با نام جامعه سوسیالیست‌ها فعالیت می‌کردند، عمده ترین بخش آن را تشکیل می‌دادند، تا چریانی که در سالهای ۴۰ با عنوان چپ مستقل به وجود آمد، ادامه داشته است. وجه تمایز این چپ با حزب توده و جریانهای مائوئیستی علاوه بر دریافت کاملاً متفاوت و متغایر آنان از تئوریهی مارکس و مباحث جامعه‌شناسی به طور عمده در درک متفاوت آنها از مقوله انترناسیونالیسم و در نتیجه اختلاف میان آنها در مقدم شمردن منافع ملی بر منافع بیگانگان بوده است. و اکنون نیز همین چپ است که بر سر عقاید و آرمان خود، سوسیالیزم علمی، مانده است. زیرا فروپاشی سوسیالیسم روسی واقعه‌ای در جهت نفی تئوریهای مورد قبول آنان نبود، بلکه درست در تائید آنها بود.

انبوه چپی که در شوروی یا چین تحقق سوسیالیسم را می‌دید و دانستی‌هایش از سوسیالیسم و مارکسیسم از راه چشم و گوش بود، وقتی پایان آن سوسیالیسم را به چشم دید و اعلان مرگ آن را

تعمقی پیرامون جنبه‌های عملی روند دموکراسی

(۲)

اردشیر حکیمی

۳- موج‌های جدید دموکراسی در سال‌های اخیر

اگر به منظره‌ی جهان بین سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۰ بنگریم، بیش از ۳۰ کشور در این دوره روند دموکراسی را آغاز کرده‌اند. موج نخست در جنوب اروپا بود (یونان، اسپانیا و پرتغال). موج دوم آمریکای لاتین و آمریکای مرکزی را دربرگرفت (آرژانتین، اورگوئه، پرو، اکوادور، بولیوی، برزیل، پاراگوئه، هندوراس، السالوادور، نیکاراگوئه، گواتمالا و مکزیک). سومین موج در اروپای شرقی برخاست (لهستان، چکسلواکی، مجارستان، رومانی، بلغارستان و آلمان شرقی). آخرین موج در کشورهای شوروی سابق و برخی کشورهای آفریقائی بود. قابل ذکر است که در طول این دوره‌ی مورد بحث پرخی کشورهای آسیائی هم روند دموکراسی را آغاز کرده‌اند (فیلیپین، کره‌ی جنوبی، تایوان، بنگلادش و پاکستان).

در مورد روند دموکراسی در این دوره چند نکته را باید مورد توجه قرار داد: اول اینکه دموکراسی در برخی از این کشورها در بدو تولد وفات یافت (از جمله در برخی کشورهای تازه استقلال یافته در شوروی سابق)، ثانیاً بسیاری از این جوامعی که در بالا نام برده شد، در اولین فاز روند دموکراسی هستند، (مراحل مختلف این روند را مورد بحث قرار خواهیم داد). ثالثاً از محصول این ۱۶ سال نباید دچار هیجان شد و نتایج شتابزده گرفت، بلکه باید این دوره را در یک پرسپکتیو وسیع‌تر تاریخی نگریست، به این معنا که یک دوره‌ی شکست دموکراسی‌های نوپا در سال‌های دهه‌ی ۶۰ و آغاز دهه‌ی ۷۰ پیش‌آمد که دوره‌ی اخیر، نوعاً ادامه‌ی آن روند قطع شده است. لذا در برخی از این کشورها مسئله بر سر استقرار مجدد دموکراسی است و نه آغاز آن.

در موج نخست، وضع اسپانیا پس از مرگ ژنرال فرانکو در ۱۹۷۵ آغاز شد. رشد سریع اقتصادی در دوره‌ی حکومت فرانکو با خود ایجاد یک طبقه‌ی متوسط نیرومند و کارگران صنعتی و نیز گسترش وسیع دانشگاه‌ها را در برداشت در عین حال عضویت در بازار مشترک اروپا برای اقتصاد کشور، اهمیت حیاتی داشت که بدون تحولات دموکراتیک مقدور نبود. نتیجه آن شد که وارثین حکومت استبدادی فرانکو باب مذاکره با اپوزیسیون را گشودند و پروسه، آغاز شد. در پرتغال وضع به گونه‌ای دیگر بود. درگیر شدن کشور در جنگ با چینش‌های استقلال‌طلب در مستعمرات این کشور در آفریقا (نظیر آنگولا و موزامبیک)، بیش از نیمی از بودجی کشور را صرف هزینه‌های نظامی می‌کرد. همین امر کودتای افسران ارتش در سال ۱۹۷۴ علیه دیکتاتور سالزار را باعث شد. پس از کودتا، صدها حزب سیاسی صحنه جامعه را پر کردند و این پراکندگی حاصل سال‌های طولانی دیکتاتوری بود. نتیجه‌ی کار بالاخره در سال ۱۹۷۶ استقرار دموکراسی تثبیت شده در کشور و عضویت پرتغال در بازار مشترک شد. در یونان، حکومت سرنگان بسیج همگان برای مقابله با اشغال قبرس توسط ترکیه در سال ۱۹۷۴ را اعلام کردند. اما بزودی معلوم شد که در صفوف ارتش آمادگی برای چنین جنگی وجود ندارد. پیامد این حوادث روی کار آمدن غیرنظامیان در دولت و استقرار دموکراسی بود.

موج دوم در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۸۰ در آمریکای جنوبی برخاست. قابل ذکر است که درست مثل دسته‌ی نخست، این کشورها هم تحت فشار غرب برای دموکراتیزه کردن حیات سیاسی‌شان بودند. لکن تحولات داخلی، اهمیتی تعیین کننده‌تر داشت. در بسیاری از این کشورها نظامیان حاکمه چنان استراتژی اقتصادی رشدی را تشویق کرده بودند که یک اقلیت محدود در رأس هرم جامعه از آن سود می‌بردند و اکثریت فقیر جامعه از ثمرات این رشد اقتصادی محروم بود. در آغاز دهه‌ی ۸۰ مدل اقتصادی مورد بحث دچار بحران شد. بدهی‌های خارجی، کساد بازار، تورم، گسترش وسیع بیکاری و نابرابری وحشتناک اقتصادی، علائم این بحران بودند. بالا رفتن قیمت نفت در آغاز دهه‌ی ۸۰ این کشورها را شدیداً زیر فشار گذاشت. بن‌بست در این مدل رشد اقتصادی، بی‌اعتباری delegitimation حکومت نظامیان را در پی داشت. رشوه‌خواری و فساد در دستگاه اداری دولت نظامیان وضع را بدتر می‌کرد. مجموعه‌ی این عوامل شکاف در درون رهبری نظامی این کشورها را پدید آورد یعنی همان دسته‌بندی که سابقاً ذکر کردیم: «بازها» و «کیوت‌ها» یا «سخت‌ترها» و «نرم‌ترها». همین شکاف باعث تضعیف حکومت نظامیان در اداره‌ی سرکوب‌گرانه‌ی جامعه شد و پروسه‌ای از فضای باز سیاسی برای بحث و گفتگو، فعالیت‌های احزاب اپوزیسیون و انتقاد از دستگاه حاکمه را بوجود آورد. تقاضا برای گسترش دموکراسی بالا گرفت، گروه‌های وسیع‌تر اجتماعی حامی این تقاضا بودند و قابل توجه آنکه بخش‌های بزرگی از طبقه‌ی متوسط و بالاتر نیز در این نهضت مشارکت داشتند. آمریکای لاتین در این

سال‌ها دیگر بر سر دوراهی فاشیسم یا سوسیالیسم قرار نداشت. اپوزیسیون در اکثریت خود خواستار آزادی سیاسی و اصلاحات عملی و محدود سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود.

طلایه‌های موج سوم در اروپای شرقی با فعالیت‌های اتحادیه‌ی همبستگی در لهستان در آغاز دهه‌ی ۸۰ نمودار شده بود که خواستار اتحادیه‌ی مستقل کارگری بود و نه اصلاحات سیاسی. از یاد نبریم که تلاش‌های دیگری هم در گذشته در این منطقه برای دموکراسی صورت گرفته بود (آلمان شرقی در ۱۹۵۲، مجارستان ۱۹۵۶، و چکسلواکی ۱۹۶۸) اما هیچکدام تا ۱۹۸۹ به نتیجه‌ی اینانجامید. تحول بزرگ در ۱۹۸۹ نتیجه تغییر در ترکیب حاکمیت اتحاد شوروی یعنی سر کار آمدن میخائیل گارباچف بود. تا قبل از او سیاست شوروی‌ها سرکوب مسلحانه‌ی هر حرکت اصلاح طلبانه در اروپای شرقی بود. در دوره‌ی گارباچف این سیاست به کلی تغییر کرد، چنانکه وی به اریش هونکر گفت: «مسائل آلمان دموکراتیک باید در برلین حل و فصل شود و نه در مسکو». نارضایتی مردم اروپای شرقی هم بیش از هر چیز به شکست «اقتصاد برنامه‌ریزی» برای پاسخگویی نیازهای آنان و مقایسه زندگی‌شان با اروپای غربی قابل توضیح است. درست همین مسئله خود، باعث روی کار آمدن گارباچف (و همفکرانش در دستگاه رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی) در ۱۹۸۵ بود. فراموش نباید کرد که تقاضا برای رفم سیاسی بویژه در میان روشنفکران و تحصیلکردگان اروپای شرقی، بسیار نیرومند بود و هم آنان نخستین رهبران مبارزه با رژیم‌های توتالیتر بودند.

تحولات در آفریقا پیش از هر چیز از حوادث در اروپای شرقی و اتحاد شوروی تأثیر گرفت. با پایان یافتن جنگ سرد، رژیم‌های دیکتاتوری در این قاره که مورد حمایت اردوی شرق یا غرب بودند دیگر نمی‌توانستند روی حمایت و کمک‌های اقتصادی ۲ بلوک درگیر حساب کنند. آگاهی به ضعف رژیم‌های دیکتاتور، به تقویت جنبش‌های طرفدار دموکراسی و احزاب اپوزیسیون کمک کرد. این امر باعث آغاز روند لرزان دموکراسی در پاره‌ای از کشورهای آفریقائی نظیر موزامبیک، مالی، اتیوپی، اریتره و جنگ داخلی در پاره‌ای دیگر از آنان نظیر سومالی و رواندا شد.

جمع‌بندی روند دموکراسی در آسیا دشوارتر است زیرا که شرایط مختلف در مناطق مختلف قاره وجود داشته. در کشورهای بسیار فقیر و عقب‌مانده آسیا (مثل پاکستان و نپال) تا کشورهای بسیار رشد یافته‌ی اقتصادی (نظیر تایوان و کره‌ی جنوبی) و کشورهای که در میانه قرار دارند (مثل تایلند و فیلیپین) در طول ۲۰ سال گذشته روند دموکراسی آغاز شده است.

در فیلیپین، رژیم دیکتاتوری مارکوس پس از قتل رهبر اپوزیسیون لیبرال Benigno Aquino سخت تحت فشار بانک جهانی و ایالات متحده قرار گرفت و مجبور به رقابت با همسر آکینو در انتخابات ریاست جمهوری شد. آکینو انتخابات را برد، مارکوس نمی‌خواست به نتیجه گردن نه‌د ولی نه از سوی سران ارتش در داخل و نه از سوی آمریکا حمایت نشد و حکومت به برنده انتخابات سپرده شد.

در کشور بسیار فقیر نپال، رژیم پادشاهی از یک سو تحت فشار همسایه‌ی قدرتمندش هند بود، از سوی دیگر مورد انتقاد شدید سازمان‌های حقوق بشر جهانی و احزاب اپوزیسیون که از لیبرال تا چپ متحد شده بودند و با حوادث اروپای شرقی تقویت شده بودند. پادشاه ابتدا در مقابل تحولات مقاومت کرد، لکن بعدتر با گسترش مبارزه‌ی اپوزیسیون و فشار خارجی تن به سازش داد و قبول کرد که حکومت مشروطه‌ی پارلمان با حذف قدرت سیاسی شاه مستقر شود.

تایوان سال‌ها رشد سریع اقتصادی و به دور از رشوه‌خواری و فساد بورکراتیک را از سرگذرانده بود. کشور از یک زیر ساخت قوی اقتصادی، نیروی کار ماهر و دانش‌آموخته و نهادهای مؤثر اقتصادی برخوردار بود. همین رشد سهمگین اقتصادی، اقشار قدرتمندی را خارج از دستگاه حکومتی بوجود آورده بود که خواهان سهمین شدن در قدرت سیاسی بودند. نظیر بخش خصوصی در زمینه‌ی تجاری و مالی، طبقه‌ی متوسط و کارگران صنعتی. همین اقشار عامل فشار به حکومت برای دموکراسی سیاسی بودند. نتیجه‌ی کار انتخابات سال ۱۹۹۰ بود که در آن حزب مورد حمایت دولت سابق اکثریت خوبی را حاصل نمود.

از مواردی که در بالا شمردیم، اولین دسته یعنی اروپای جنوبی بیش از دیگران دموکراسی چافانده و تحکیم یافته را دارند و در مقابل کشورهای آفریقایی از لرزان‌ترین و شکننده‌ترین موقعیت در این رابطه برخوردارند.

۴- فازهای گوناگون روند دموکراسی

گذار از حکومت غیر دموکراتیک به دموکراسی

روندی بفرنج است که فازهای گوناگون دارد. اگر نیروهای حاکم به این نتیجه برسند که باید از انحصار قدرت دست بردارند، حکومتی جدید -برآمده از انتخابات- به جای سیستم قدیم خواهد نشست، لکن روند به همین جا خاتمه نمی‌یابد. رژیم جدید غالباً یک دموکراسی محدود است به این معنا که دموکراتیک‌تر از رژیم قبلی است اما هنوز روند تعمیق دموکراسی باید پیش برود تا گام کیفی برداشته شود و دموکراسی در جامعه مورد بحث استحکام یابد و جایافتد، آن‌طور که نیروهای اساسی سیاسی در جامعه پذیرفته باشند که «قوانین بازی دموکراسی، تنها قانون حاکم در اداره‌ی جامعه است». فازهایی که در زیر می‌شماریم الزاماً به شکل صاف، نرم، خطی و بی‌بازگشت پیش نمی‌روند. در مراحل گوناگون کار ممکن است بحران‌ها و عقب‌گردهایی رخ دهد. نتیجه‌ی این حوادث هم الزاماً استقرار دموکراسی تحکیم یافته نیست. در بسیاری از کشورهای در حال رشد بازی «یویو» میان حکومت‌های استبدادی و دموکراسی‌های لرزان سناریوی معمول ترس است. به علاوه روند کامل استقرار دموکراسی تحکیم یافته زمانی طولانی -و حتا دهه‌ها- به درازا می‌کشد. به یاد بیاوریم که در مورد بریتانیای کبیر برای نمونه این روند ۲۰۰ سال امتداد داشت. در تقسیم‌بندی این فازها از مدلی استفاده شده که راستو دانکوارت Rastow Dankwart ارائه کرده است (۴).

مدل مورد بحث یک پیش‌شرط دارد که همانا «وحدت ملی» است. بدون این پیش‌شرط گذار به دموکراسی غیر ممکن است. «اکثریت قاطع شهروندان دموکراسی آینده نباید هیچگونه شبهه یا تردید روانی نسبت به اجتماع سیاسی که در آن زیست می‌کنند داشته باشند». به بیان دیگر تفرق قومی، مذهبی، زبانی، فرهنگی، منطقه‌ای باید قبل از شروع پروسه گذار به دموکراسی حل و فصل شود و همین فقدان احساس «وحدت ملی» است که در یوگسلاوی سابق، گرجستان، تاجیکستان، سری‌لانکا، سومالی و افغانستان جنگ داخلی را دامن زده است. روند دموکراسی برای هر ملتی با یک سؤال مقدماتی آغاز می‌شود: مایه‌ی که به سوی دموکراسی می‌رویم به مثابه‌ی ملت، کیستیم؟ اگر مسئله وحدت ملی -با شیوه‌های گوناگون احترام به حقوق اقلیت‌ها- حل و فصل نشود، پروسه‌ی مورد بحث ما با بن‌بست مواجه خواهد شد.

و اما فاز نخست در این مدل مرحله‌ی تدارکاتی (Prepatatory Phase) نام دارد. این مرحله در آغاز با فضای باز سیاسی همراه است و پس آنگاه به مشارکت معین احزاب و نیروهای سیاسی در حیات جامعه میدان می‌دهد. برای نمونه در برزیل این مرحله با برداشتن سانسور مطبوعات شروع شد و پس از مدتی به آزادی برخی احزاب انجامید. شبهه همین وضع در نمونه‌ی اروپای شرقی قابل ملاحظه است.

فاز دوم مرحله‌ی تصمیم (Decision Phase) نام دارد که در آن «رهبران سیاسی آگاهانه تصمیم می‌گیرند که روش‌های کار دموکراسی در جامعه را نهادی کنند» یعنی شروع به ساختن نهادهای (Institutions) دموکراسی در جامعه کنند. هیچ دموکراسی بدون این نهادها دارای قابلیت پایداری و عملکرد مؤثر نیست. غرض از این نهادها، احزاب سیاسی آزاد و نیز سندیکاها، اتحادیه‌های کارگران، کارمندان و سایر صفوف در جامعه است، استقلال قوه‌ی قضائیه است، استقلال رسانه‌های گروهی است، دادن اختیارات به ارگان‌های حکومت محلی (استانداری‌ها و شهرداری‌ها) است. بدون ساختن این نهادها، ساخت دموکراتیک جامعه فاقد اسکلت است و با هر بادی فروخواهد ریخت. در آمریکای لاتین برخی از این نهادها در حکومت‌های دیکتاتوری فروپاشیده شده بود که در بازگشت دموکراسی در دهه‌ی ۸۰ بازسازی شد. مشکل بزرگ اروپای شرقی در گذار به سوی دموکراسی ضعیف بودن این نهادهاست. کشورهای آفریقایی اساساً سستی برای چنین نهادهایی نداشته‌اند.

مهمترین عامل که تأثیر قطعی بر نتیجه‌ی روند دموکراسی دارد، این است که چه ائتلافی (Coalition) راهبرنده‌ی این پروسه است. دو نوع متفاوت در این رابطه قابل تشخیص است. اول -روندی که راهبرانش دست‌کم بخشی از حکومتگران قبلی هستند که آن را تحول از بالا نام می‌نهند. «تری لین کارل» در این مورد می‌نویسد: «رهبران سستی -اگرچه از پایین تحت فشار هستند- بر مسند قدرت باقی می‌مانند. اما استراتژی سازش یا زور را برای دست‌کم حفظ بخشی از قدرت‌شان به کار می‌گیرند» (۵). همین پژوهشگر در تحلیل اوضاع کشورهای آمریکای لاتین تکیه می‌کند که تحول از بالا، نوع معمول و تکرار شونده در این منطقه بوده است. در شرایطی که تحول از پایین آغازگر روند دموکراسی بوده، منتهی به حکومت‌های بانبات

دموکراتیک نشده است. «تا کنون هیچ دموکراسی بانباتی نتیجه‌ی گذاری که در آن توده‌ها و اپوزیسیون کاملاً بیرون از حاکمیت دست بالا را داشته‌اند، نبوده است. تلاش‌هایی از این نوع با مقاومت و سرانجام سرکوب رهبران سستی که قدرت اقتصادی و اجتماعی برتر در جامعه دارند مواجه شده و به شکست این تلاش‌ها انجامیده است. نمونه‌های ارزانتین در سال‌های ۵۱-۱۹۴۶، گواتمالا در سال‌های ۵۴-۱۹۴۵ و شیلی در دوره‌ی آئنده ۷۳-۱۹۷۰، اثبات‌گر این مدعاست». «تری لین کارل» تحولات دهه‌ی ۸۰ در اروگوئه، برزیل، شیلی و اکوادور را تحول از بالا طبقه‌بندی می‌کند که توانسته ادامه‌دار باشد. همین وضع در مورد پرو و آرژانتین وجود داشته است. آخرین روندهای آغازگر دموکراسی در آمریکای جنوبی در مکزیک، گواتمالا و السالوادور مشاهده شده که باز هم در ردیف تحولات از بالا بوده است. جمع‌بندی در مورد کشورهای آمریکای لاتین نشان می‌دهد که لااقل در ۲۰ سال گذشته هیچ تحولی از پایین منتهی به استقرار دموکراسی نشده است.

در یک بررسی دیگر از تحولات در جنوب اروپا و اروپای شرقی این نتیجه‌گیری ارائه شده که بازهم اکثر تحولات از بالا در راستای استقرار دموکراسی بوده است (۶). نمونه‌های تحول از بالا که در این بررسی ارائه شده از جمله شامل اسپانیا، ترکیه، مجارستان، بلغارستان و اتحاد شوروی است. در مورد اتحاد شوروی گفته شده که آغاز روند توسط میخائیل گارباچف و حزب کمونیست تا جریان کودتای آگوست ۱۹۹۱ کنترل می‌شد، لکن پس از این حادثه، نفوذ و کنترل آنها در پیشبرد امور به طرز چشمگیری کاهش یافت.

فاز سوم در مدلی که مورد بحث قرار دادیم مرحله‌ی استحکام (Consolidation Phase) نام دارد. اگر در فاز اول دموکراسی محدود شروع شده و در فاز دوم ساختن نهادهای دموکراسی آغاز شده، در این مرحله ساختمان این نهادها پایان می‌یابد و عملکردشان کامل و مؤثر می‌شود. در این مرحله، احزاب اپوزیسیون می‌توانند در انتخابات، تمام قدرت سیاسی را از آن خود کنند، بی‌آنکه با مقاومت نخبگان سستی مواجه شوند. «جان لنیز» از پژوهشگران به‌نام روندهای دموکراسی در تعریف این مرحله نوشته است: «دموکراسی استحکام یافته آن وضعیتی است که در آن شخصیت‌های سیاسی، احزاب، سازمان‌های اتحادیه‌ای، نیروها و نهادهای مختلف این امر را مورد قبول قرار دهند که هیچ الترناتیو دیگری به جز روندهای دموکراتیک برای کسب قدرت وجود ندارد و هیچیک از نهادهای سیاسی و گروه‌های مدعی حق وتو در برابر نتیجه‌ی حاصله از انتخابات آزاد نباشد. در چنین وضعیتی احتمالاً یک نیروی اقلیت در حیات سیاسی جامعه وجود دارد که معتقد یا در صدد مواجهه و زیر سؤال بردن اعتبار روندهای دموکراتیک به طرق غیر دموکراتیک است. اما نکته آنجاست که اکثریت و نیروی اصلی در جامعه علیه چنین روش‌هایی است و چنین اقلیتی را منفرد می‌کند. ساده‌تر اگر بگوئیم دموکراسی باید به مثابه‌ی «تنها بازی در شهر» only game in town مشاهده شود (۷).

قابل ذکر است که مرحله‌ی استحکام، تنها یک روند سیاسی نیست بلکه به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی برای تکمیل این ساختمان نیاز دارد. در این فاز نهادها و فعالیت‌های دموکراتیک به جزئی از فرهنگ سیاسی جامعه تبدیل می‌شوند. نه تنها این یا آن شخصیت و حزب سیاسی بلکه اکثریت قاطع تصمیم‌گیران و مردم فعالیت دموکراتیک را به عنوان بخشی طبیعی از روند زندگی جامعه تلقی می‌کنند. روندهای دموکراتیک آغاز شده در ۲۰ سال گذشته -از چند استثنا که بگذریم- هیچکدام هنوز به این مرحله نرسیده‌اند.

تأکید جدی به مورد فازهای بحث شده در بالا این است که این مدل -مثل هر مدل تئوریک دیگر- واقعیات بیرونی را مجرد و ساده‌تر می‌کند تا فهم‌تر باشد و گرنه در عالم واقعیت این مراحل، مرتب و بی‌دری نمی‌آیند. ممکن است که در بخشی روی هم بیافتند یا مراحل تدارکاتی یک فاز در شرایطی قبل‌تر شکل بگیرد و خلاصه آنکه واقعیت خارج از ذهن، پیچیده‌تر از مدل ارائه شده عمل می‌کند. گذار از یک فاز هم به معنای بازگشت ناپذیری آن نیست و ممکن است که حوادث سیاسی محصولات یک مرحله را به کلی برباد دهد و کار بار دیگر از نو آغاز شود.

(ادامه دارد)

4- Rustow Dankwart, "Transitions to democracy", Comparative Politics 2, No.3 (1970): 337-385
5- Karl Terry Lynn, "Dilemmas of Democratization in Latin America", Comparative Politics 23, No.1 (1990): 1-21
6- Karl Terry Lynn and Philippe C. Schmitter, "Modes of Transition in Latin America, Southern and Eastern Europe", International Social Science Journal 128 (1991): 269-284
7- Juan J. Linz, "Transition to Democracy", The Washington Quarterly 13, No.3 (1990): 143-164

دفاع از آزادی آری دفاع از ارتجاع نه

نشریه «کار» در شماره ۱۱۴ خود مطلبی خبری، تفسیری تحت عنوان «ناآرامی در قم» درج کرده و از اخوندی بنام آیت الله صادق روحانی و طرفداران وی تلویحا حمایت کرده است.

این نشریه، انتشار نامه‌ای را خبر داده که در آن آیت الله صادق روحانی «در اعتراض به پخش سخنان جوادی آملی از تلویزیون در ایام عاشورا که در آن به پیروی از فتوای خامنه‌ای از ممنوعیت قمه زنی در ماه محرم جانبداری کرده و نظرات آیت الله خوئی نائینی و... را نادرست خوانده بود از هاشمی رفسنجانی خواسته بود... به اهانت علیه احساسات مذهبی مردم پایان دهد». مطابق نوشته کار آیت الله روحانی، رفسنجانی را «مسئول ترمز از سنت های مذهبی و رفتار مستبدانه رژیم علیه مردم» دانسته بود.

نشریه «کار» در پایان می افزاید:

«در اعتراض به رفتار سرکوبگرانه رژیم علیه آیت الله روحانی و فرزندی در قم، تهران و حوزه های آموزشی مذهبی کشور، طرفداران آیت الله روحانی، با انتشار شبنامه به دولت هشدار داده اند و از روحانیون مستبد خواسته اند، با ابراز انزجار از سختگیرهای حکومت علیه آیت الله روحانی، برای آزادی فرزند وی از زندان تلاش کنند».

دفاع از آزادی فردی و اجتماعی و پایداری به آن در عمل پی شک و وظیفه هر حزب و یا فرد آزادیخواه و مترقی است ولی در دفاع از آزادی بایستی در درجه اول درک درستی از آزادی داشت.

آزادی وقتی قابل دفاع است که چشم به آینده داشته و به بشریت امکان اندیشیدن بهتر و درست تر و زیستی بهتر بدهد. آزادی تا زمانی قابل دفاع است که مغل آسایش عمومی نشود و در تضاد با آزادی دیگران و جامعه قرار نگیرد. نمی توان تحت عنوان آزادی از هرج و مرج دفاع کرد و یا مثلا نمی توان تحت عنوان آزادی از سیاست تبلیغ نژادی دفاع نمود. سرسخت ترین مدافع دموکراسی و آزادی، باید آشتی ناپذیرترین دشمن آزادی فعالیت مدافعین سیاست تبلیغ نژادی باشد. از اینرو آزادی بی حد و مرز وجود ندارد، سوی دیگر آزادی عدم آزادی است. اگر از این متد پیروی کنیم، باید بگوئیم که تنظیم کننده مطلب در ناآرامی در قم از حول حلیم توی دیگ افتاده و بجای دفاع از آزادی واقعی از مرجع ترین جناح روحانیت به دفاع برخاسته است. جناحی که در دشمن ممنوعیت «قمه زنی» است. درست است که ما خواهان آزادی استقرار دموکراسی در جامعه و محو سلطه استبداد روحانیت هستیم، اما ما هرگز نمی توانیم خواهان آزادی «قمه زنی» که چیزی جز نمایش فنانیسم در افکار عمومی نیست، باشیم!

دست بر قضا، جناح حاکم روحانیت، در این عرصه صرف نظر از هر نیتی که دارد کار مثبتی انجام داده و میدان را بر مرتجعین بدتر از خودشان همچون صادق روحانی و غیره تنگ و «قمه زنی» را قدغن و مبلغین و یا مرتکبین آن را تحت تعقیب و پیگرد قرار داده و یا حتی بازداشت نموده است. دقت کنید! بخشی از روحانیت علیه سنت

به خود آئید!

دلسوزان مردم ایران هستند و به خاطر مردم ایران گام بر می دارند و ... غیره.

شما که ادعا می کنید برای مردم و یا طبقه کارگر گام بر می دارید، آیا می دانید که آنها کجا زندگی می کنند و چگونه زندگی می کنند و چه می خورند و چه خواسته های دارند. اگر می دانستید این چیزها را نمی نوشتید.

بعد از ۱۶ سال به استثنای سالهای ۵۸ تا ۶۰ نتوانستید یک اعتصاب را رهبری و هدایت کنید؟ ما که می دانیم هر اعتصابی که صورت گرفت خود جوش بود و زمانی که اعتصاب سرکوب شد، یا تا حدودی موفق گردید بعد از آن بود که سازمانهای سیاسی بخود می آمدند که نسبت به آن موضوع گیری کنند. سؤال: سازمانهای سیاسی جامعه در کجا

با سلام به دست اندکاران نشریه فدائی. من یکی از خوانندگان نشریه شما می باشم و نشریه شما را از یکی دوستانم دریافت می کنم و می خوانم.

دلم گسسته است از دست روزگار و دوست دارم با خوانندگان شما و سازمانهایی که داعیه مردم ایران را دارند، صحبتی و درد دلی کرده باشم و خواهش می کنم که این حق را به من بدهید و در نشریه تان چاپ کنید، نه به خاطر من بلکه به خاطر مردم ایران. در خارج از ایران نشریه های گوناگون در اندازه و رنگ و تعداد صفحات و نامهای متفاوت چاپ می شود.

اینها اعتقاد دارند که همه چیزهایی که می گویند و یا می نویسند، درست است و بقیه غلط می گویند و تنها آنها هستند که راه حل صحیح را می دانند و تنها آنها هستند که الترناتیو می باشند و آنها

بغایت زشت شیعیگری اقدام می کند، نشریه «کار» ارگان یک جریان چپ، علیه این اقدام مثبت قلم می زند و آن را «رفتار سرکوبگرانه» نام می نهد.

از اینکه رژیم موجود رژیم تبهکاری است و باید برود شک نیست. از اینکه نگارنده «کار» با تمامی وجود از این تبهکاران متفر است، نیز نباید شک داشت. اما این به هیچ عنوان دلیل میشود که یک اقدام مثبت (هرچند ناچیز) این رژیم نه تنها مورد حمایت قرار نگیرد، بلکه بر عکس علیه آن اقدام شود! آیا دفاع از هر حرکتی علیه رژیم، صرفا به این دلیل که حکومت را تضعیف می کند، درست است؟ تا آنجائی که من شناخت از نشریه «کار» دارم، پاسخش به این سؤال منفی است.

همانگونه که در جامعه آلمان نمی توان تحت عنوان آزادی، مدافع آزادی فعالیت نازیست ها و یا تونازیست ها بود و دولت آلمان را به این جرم که فعالیت این طرفداران آدم سوزی را ممنوع کرده، تقبیح کرد و این اقدام را نافی آزادی دانست و رژیم را به این خاطر محکوم کرد. البته در مملکت ما آزادی در قفس است. اما این آزادی سوای آزادی «قمه زنی» است!

اگر منظور از آزادی دفاع از قمه زنی و مدافع مرتجع آن صادق روحانی است، باید علیه این نوع آزادی بود. بر کسی پوشیده نیست که «قمه زنی» و حرکاتی شبیه آن بشدت سنتی نگرشیده در جامعه ماست و اقدام رژیم علیه آن نه تنها اقدام سرکوبگرانه نیست، بلکه اقدامی است مثبت. در اینجا باید

افزافه کنم که رژیم به خاطر هراس از هر تجمعی که خود بر آن کنترل نداشته باشد. یا «قمه زنی» و مراسمی شبیه آن مخالف است. و نمی توان این اقدام رژیم را نشانه ترقیخواهی آن دانست، اما به هر حال همانطور که قبلا گفته شد، نتیجه حاصل بسود جامعه ماست و از این زاویه نیز قابل پشتیبانی است. جنبش مترقی، دیگر مجاز نیست اشتباه گذشته را تکرار کرد، براساس تر معروف «دشمن دشمن من، دوست است» حرکت کند. همانگونه که دفاع از جنبش ارتجاعی خرداد ۴۲ تحت رهبری خمینی خطا بود، دفاع از حرکت اعتراض آخوندهایی مثل صادق روحانی نیز به دلیل ماهیت ارتجاعی اش خطاست و نباید صورت بگیرد!

م. سلیمی

«کار»: هدف مقاله «ناآرامی در قم» انعکاس ناآرامی ها در قم و محکومیت شیوه های مرسوم جمهوری اسلامی در برخورد با مخالفین خود، صرف نظر از گرایش فکری و موضع سیاسی آنان بود. متأسفانه این هدف در مقاله مذکور نادقیق و نادرست بیان شد و با حمایت غیر مستقیم از یک سوی این درگیری توأم گشت. بدیهی است که مشی سیاسی ما به هیچ وجه این نیست و ما مخالفتهای را که از موضع ارتجاعی با حکومت صورت می گیرد، مورد تایید قرار نمی دهیم. انتقادهایی که از این زاویه به مقاله فوق ابراز شده است را می پذیریم.

رفیقانه اقدام کنید.

بایید برای آرا و عقاید مردم ایران ارزش قائل شوید و بپذیرید که آنها وجود دارند. تا دیر نشده است اقدام کنید. با یک فراهخوان دوستانه دور هم جمع شوید و ریشه های بحران را تحلیل کنید و بیرون رفت از این بحران اجتماعی، و جایگاه خود در جامعه را معلوم کنید. بدون این نمی توانید به پیشاهنگ واقعی تبدیل گردید.

در خاتمه خواهش داشتم این درد دل من را در نشریه خودتان چاپ کنید، آن را از انحصار چند نفر بیرون آورید و اجازه بدهید که مردم ایران در آن حتی چند سطر بنویسند. امیدوارم در مورد شما اشتباه فکر کرده باشم.

با آرزوی اینکه به خودتان بیاوید.

آلبرت ۹۵. ۱۸. ۱۰

پرفسور سهراب شهابی، مشاور

«کیهان لندن»

چگونه از قربانیان استبداد دفاع می کند؟

سیاسی، در ایران کشته اند. شماره پیش «کیهان لندن» را پیدا کردم، تنها یک خبر کوچک چند سطر در مورد اعدامهای کردستان، در گوشه یکی از صفحات داخلی آن به چشم خورد. در مورد اعدام «اسد اخوان» هیچ خبری نبود.

نامه آقای امیرانتظام بسیار مهم و تکان دهنده است، اعدام بیش از ۱۲ آزادیخواه ایرانی چگونه؟ این عده آنقدر ارزش ندارد که چند سطر از سطور «پژ ارزش» آن نشریه را به خود اختصاص دهد؟ اعدام اسد اخوان به دلیل آنکه فدایی خلق بوده است، برای این آقایان حتی آنقدر اهمیت نداشته است که دست کم خبر آن را به گوش خوانندگان خود برسانند؟ سرمقاله همان شماره «کار» گویی خطاب به همین آقایان بود که نوشته بود: «زمانی که فاجعه تکان دهنده قتل عام سال ۶۷ در حال انجام بود، صدای فریاد قربانیان این فاجعه تکان دهنده به گوش بسیاری از نیروهای سیاسی و حتی نیروهای سیاسی دموکرات و آزادیخواه نرسید و امروز نیز بسیاری آنرا به فراموشی سپرده اند». البته در مورد این آقایان واژه «فراموشی» صحیح نیست، زیرا آنها اصولا چیزی از آن فاجعه نشنیدند تا بخواهند فراموشش کنند یا نکنند.

و پرسش من و بسیاری چون من از این مدعیان آزادی خواهی و دموکراسی این است: کدام قلم را به کار انداختید و کدام قدم را برداشتید تا سهم کوچکی در افشای موج اعدامهایی که در زندانهای ایران به پا شد و اکنون دوباره در شرف وقوع است، داشته باشید و خبرهای تکان دهنده آنرا به گوش ایرانیان خارج از کشور و افکار عمومی جهانی برسانید، آقایان؟

الف. حقیقت جو

کمک های مالی

از طرف تشکیلات نروژ
ر. ز از ماتالای سوئد
ستار
س - ۳۱

۴۷۰ مارک
۲۰۰۰ کرون
۲۰ مارک
۲۲۱ مارک

برگزاری کنفرانس در باره ایران در لندن

وزارت امور خارجه رژیم اسلامی می باشند. از دیگر سخنرانان این کنفرانس ریچارد مورفی دیپلمات آمریکائی، فرد هالیدی، استاد دانشگاه آل. اس. ای لندن، پرفسور ویتالی ناومکین، رئیس مرکز روسی برای تحقیقات استراتژیک و مطالعات بین المللی هستند. متخصصان دیگری از آلمان، ایتالیا، انگلیس و ژاپن نیز در این کنفرانس سخن خواهند راند.

در ماه آینده کنفرانسی در مورد تحولات سیاسی و اقتصادی در ایران که از سوی موسسه سلطنتی روابط بین المللی در لندن برنامه ریزی شده است، به ابتکار نشریه اقتصادی مید «میدل ایست اکونومیت دایجست» در لندن برگزار خواهد شد از جمله سخنرانان این کنفرانس عباس ملکی، معاون آموزش و تحقیقات و پرفسور سهراب شهابی، مشاور

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید ☐ تمدید اشتراک ☐ شماره اشتراک: ()
مدت اشتراک: شش ماه ☐ یک سال ☐
نام: _____ تاریخ: _____
آدرس: _____
Name: _____
Address: _____

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست کنید!

بهای اشتراک "کار"

اروپا:
شش ماه - ۴۵ مارک
یک سال - ۹۰ مارک
سایر کشورها:
شش ماه - ۵۲ مارک
یک سال - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Koeln
Germany

آدرس:

I.G.e.v
22442032
37050198
Stadtsparkasse Koeln
Germany

دارنده حساب:
شماره حساب:
کد بانک:

شماره فاکس 3318290 - 221 - 0049 Fax

سخنرانی فرانسیس وورتز، نماینده حزب کمونیست فرانسه در پارلمان اروپا، در مراسم گشایش جشن اومانیته

ما همچون هوا، به همبستگی نیازمندیم!

فرانسیس وورتز (Francis Wurtz) عضو حزب کمونیست فرانسه و نماینده پارلمان اروپا، جشن سالانه روزنامه اومانیته، روزنامه حزب کمونیست فرانسه را که ماه پیش در پاریس برگزار شد، افتتاح کرد. در زیر بخش‌های با اهمیت این سخنرانی از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

همبستگی بین‌المللی یکی از پایه‌های اساسی هویت کمونیست‌های فرانسه است، بنابر این طبیعی است که روزنامه اومانیته، این همبستگی را همانند جشنی که اکنون شاهد آن هستیم، در ستونهای خود بازتاب دهد. حوادث بین‌المللی به طرز دردناکی به ما یادآوری می‌کنند که ما همچون هوا برای نفس کشیدن، به همبستگی نیاز داریم. پیوند دوستی بین خلقها سیمان بنای صلح است. هیچ تلاشی برای تأمین این دوستی بهبود نیست. در شرایط امروزی ما بیش از پیش در این راه احساس شوق و شوق می‌نماییم و نمی‌خواهیم خود را بر تصویر سیاهی که از فرانسه ارائه می‌شود، منطبق بدانیم. امیدواریم که از کشور خود تصویری از مهمان نوازی و یخشنودی به مردان و زنان آزادخواه و عدالت جو و تشنه صلح ارایه دهیم.

با این روحیه است که اومانیته از مهمانان خارجی خود که از آفریقا، مدیترانه، آسیا، اقیانوس آرام، آمریکا و کارائیب و نیز همه مناطق قاره اروپا آمده‌اند، خوش آمد می‌گوید.

اما چگونه می‌توان از همبستگی خلقها در فرانسه بدون یادآوری روابط ویژه فرهنگی و تاریخی که بین ما و الجزایر وجود دارد، سخن گفت؟

در کنار دموکراتهای الجزایر

الجزایر، درگیر با زخمهای بازمانده از دوران استعمار، فرو رفته در بحران سیاسی عمیق و قدیمی که منبع فساد و خشونت است، مسموم شده از بدهی و غارت منابع طبیعی، در زیر ضربات بیرحمانه نهادهای مالی بین‌المللی... به یک دگرگونی

میخائیل گارباجف، آخرین رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی، به تازگی کتاب خاطرات خود را انتشار داد. او در این کتاب مسایل متعددی و از جمله مسایل و مشکلات مربوط به سالهای پروسترویکا و حوادثی که به فرو پاشی اتحاد شوروی انجامید را از دید خود مورد بررسی قرار داده است. نوشته زیر، نگاهی کوتاه به این کتاب است.

من وقتی که امروز به گذشته نگاه می‌کنم، این سؤال قطعاً برایم مطرح می‌شود که: نتایج و درس‌های زندگی من قبل از هر چیز از نقطه نظر اخلاقی چه هستند؟

از خانواده شروع می‌کنم. در قبال آنها چیزی نیست که خود را بخاطر آن سرزنش کنم. همواره تلاش کرده‌ام که هر چه از دستم برمی‌آمده انجام دهم تا آنها متحد و سالم بمانند و من هم پاداشم را از آنها اینسان گرفتم که در هر زمانی روی حمایت و پشتیبانی آنها توانستم حساب بکنم.

درس‌های اخلاقی دیگری که از زندگی‌ام گرفته‌ام چنین‌اند: به رفتار خوب با دیگران صد بار پاداش داده خواهد شد. می‌توان با من در این مورد مخالفت کرد که این تر همیشه صادق نیست؛ این درست است. من هم در زندگی با افراد غیر صادق و ناسپاس روبرو شده‌ام.

همراه با ضد ناسیونالیست‌های یوگسلاوی سابق

می‌خواهم لحظه‌ای بر ترازوی طاقت فرسای یوگسلاوی که در قلب اروپا پدید آمده است، مکث کنم. مسئولین اصلی این قتل عام روسای ناسیونالیست صرب، بوسنیایی و کرووات هستند که به کمک قدرت‌های بزرگ به قدرت رسیده‌اند. از دید ما تفکیک صربها، کروواتها و مسلمانان به عنوان قومهای متفاوت کاملاً بی‌معناست. ما می‌خواهیم به همه آنها که در راه تشکیل یک نظام دموکراتیک و برابری حقوق شهروندان - در عین داشتن تنوع سیاسی و فرهنگی - تلاش می‌کنند، کمک نماییم. به اعتقاد ما راه حل پایدار جهت پایان دادن به این جنگ، در شکست

تصمیم ژاک شیراک در باره از سرگیری آزمایشات هسته‌ای. هر فرد حاضر در اینجا آگاه است که ما بارها مخالفت خود را با این تصمیم اعلام داشته‌ایم. سه سوال در مورد این آزمایشات:

۱. آیا آزمایشات در موروروا (Mururoa) خطرناک هستند؟ شیراک قاطعانه جواب منفی می‌دهد. ما با سازمان جهانی بهداشت که می‌گوید: «آزمایش مطمئن و بی خطر سلاح اتمی وجود ندارد»، موافق هستیم. ۲. آیا هدف این آزمایشات دست یابی به سلاح‌های جدید اتمی است؟ اینگونه تخطی از پیمان عدم تولید سلاحهای هسته‌ای که توسط ۱۷۰ کشور جهان امضاء شده است،

اگر بشریت به پیشرفت‌های قابل اتکایی در جهت عدالت اجتماعی که برای صلح ضروری است نایل آید، چشم انداز امید بخش خواهد بود. برعکس اگر امکانات اقتصادی و سیاسی جهت تأمین مواد غذایی، کار، آموزش، بهداشت و درمان، آب آشامیدنی، محیط زیست قابل زندگی و همه آنچه که در شأن بشریت است فراهم نشود، جهان برای همه غیر قابل کنترل و زندگی خواهد شد. بدون اینکه زرادخانه اتمی بسیار پیشرفته بتواند حداقل کمکی در جلوگیری از بروز این فاجعه بکند.

خطر تحمیل از سرگیری مسابقه تسلیحاتی به بشریت را همراه دارد. رئیس جمهور در این خصوص جواب می‌دهد: «این آزمایشات هیچ ربطی به تولید سلاحهای جدید ندارد». بنظر او این آزمایشات فقط برای تدقیق کاربرد سلاحهای موجود است. اما بر هیچ ناظر و کارشناسی پوشیده نیست که بخش عظیمی از سیاستمداران و نظامیان فرانسوی خواهان یک چنین برنامه‌ای برای تولید «بمب‌های کوچک» اتمی هستند.

۳. تجمع سلاح‌های اتمی. هم اکنون هر یک از زیر دریایی‌های کشور ما ۱۰۰۰ بار بیش از بمب اتمی که بر هیروشیما پرتاب شد، قدرت اتمی دارند. آیا تجمع این سلاح‌ها جواب درستی به مسایل

نظامی یک «اردوگاه» و پیروزی دیگری نیست. همه خلقهای یوگسلاوی سابق با درد ورنج و ویرانی و جراحت روحی خود، بهای گزافی را به خاطر ناسیونالیسم که جنگ را به همراه آورد، پرداخته‌اند. به همین خاطر است که ما خواهان قطع فوری جنگ و خاموش کردن همه سلاحها، از جمله سلاح‌های ناتو، در بوسنی هستیم. حزب کمونیست فرانسه جهت دستیابی به این هدف خواهان تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی برای بازسازی و توسعه همه یوگسلاوی سابق می‌باشد.

اجازه بدهید به یکی از مسایل بزرگ بین‌المللی که مستقیماً به فرانسه مربوط می‌شود، اشاره کنم:

امنیته ما می‌دهند؟ ژاک شیراک جواب مثبت می‌دهد. از دید او سلاح اتمی نه تنها برای امنیت فرانسه، بلکه برای امنیت اروپا نیز لازم است. او برای قرن ۲۱ تداوم عصر اتمی را تصویر می‌کند. ما در این خصوص با او عدم توافق مطلق داریم. او تهدید احتمالی در آینده را مثال می‌آورد: خطر به قدرت رسیدن راست افراطی در کشورهای شرقی که هزاران سلاح اتمی در آنها انباشته شده است. متأسفانه این تهدید واقعی است. هیچ کس از آینده خبر ندارد. ماجراجویانی در مسکو و یا جای دیگری می‌توانند به سلاح‌های موجود دست یابند. آیا می‌توانیم مطمئن باشیم یک چنین ماجراجوی غیر مسئولی از دست یازیدن به سلاح اتمی در برابر تهدید متقابل رقیب منصرف می‌شود؟ آیا برعکس این چشم انداز او را به افراط بیشتر تحریک نمی‌کند؟ آیا بهتر نیست همه امکانات قاطعانه در جهت از بین بردن تدریجی اما کامل همه زرادخانه اتمی ویران کننده کره زمین به کار گرفته شود؟

به یک مبارزه واقعی بین‌المللی به منظور به حرکت درآوردن تمامی نیروهای لازم برای پیروزی بر موانع روی آرییم. اگر فرانسه پیشاپیش این حرکت قرار گیرد، در کنار خود شور و شوق همه زنان و مردان صلح طلب، بشر دوست و دوستداران زندگی را خواهد داشت.

دیدگاهی دیگر از آینده

ژاک شیراک از احتمال تهدید از جانب شرق سخن می‌گوید. برخی دیگر از محافظه کاران تهدید را از سوی جنوب می‌دانند. در ژانویه ۱۹۹۴ «رنه گالی دژان» یکی از رهبران حزب حاکم فرانسه (R.P.R) در کمیسیون دفاع مجلس در مورد نقش «بازدارنده سلاح اتمی» گفت: «در تاریخ نمونه‌ای وجود ندارد که در نهایت خلقهای پرجمعیت و فقیر به خلقهای کم جمعیت و ثروتمند حمله و غلبه نکنند». می‌توانیم حدس بزنیم چه چیز مدافعان سلاح‌های اتمی را به

این گونه اظهارات برمی‌انگیزد: نفی دگرگون ساختن دنیایی که حاصل بی‌عدالتی انفجاری است، توهم وحشیانه‌ای که با تهدید فقر می‌توان ثروتمندان را به گونه‌ای پایدار مورد محافظت قرار داد. نه! ما نان این گونه توهمات را نمی‌خوریم. ما درک دیگری از تمدن و دیدگاه دیگری از آینده داریم.

در نظر داشته باشیم که تا ۳۰ سال دیگر، بر جمعیت قادر به کار کره زمین یک میلیارد و دو بیست میلیون نفر افزوده خواهد شد. اگر امکان ارزش گذاری به توانایی‌های این جمعیت عظیم فراهم آید و بشریت به پیشرفت‌های قابل اتکایی در جهت عدالت اجتماعی که برای صلح ضروری است نایل آید، چشم انداز امید بخش خواهد بود. برعکس اگر امکانات اقتصادی و سیاسی جهت تأمین مواد غذایی، کار، آموزش، بهداشت و درمان، آب آشامیدنی، محیط زیست قابل زندگی و همه آنچه که در شان بشریت است فراهم نشود، جهان برای همه غیر قابل کنترل و زندگی خواهد شد. بدون اینکه زرادخانه اتمی بسیار پیشرفته بتواند حداقل کمکی در جلوگیری از بروز این فاجعه بکند. بدتر از اینکه تلاشهای تسلیحاتی، ما را از امکانات عظیمی محروم می‌سازند که اگر به موقع بسوی سازندگی در شرق و جنوب سمت داده شوند، امکان خواهند داد تا ریشه‌های شر و بدبختی، عدم تعادل جهانی، تحقیر و تضادهای یعنی فرزندان طبیعی تسلط قدرتهای پولی معاصر که جهان را بیرحم و خطرناک می‌کنند، از بین ببرند.

اخیراً بانک جهانی اعلام کرد: «دلیل اصلی اکثر جنگ‌ها در قرن حاضر نفرت بوده است، در قرن آینده برای آب جنگ خواهیم نمود». برای جلوگیری از این تراژدی اعلام شده، چه تدابیری در پیش گرفته‌اید؟ روزنامه فیگارو در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۵ اطلاع داد: در شیکاگو، دلان از بالا رقت قیمت گندم به دلیل کاهش تولید جهانی آن بقیه در صفحه ۵

وقتی که آدمی حوادث نیمه دوم سال‌های ۸۰ و اوایل سال‌های ۹۰ را دوباره چون فیلمی از جلو چشمانش می‌گذراند، خیلی زود به این نکته پی می‌برد که تقریباً همه عقب‌گردها، خطاها و خسارات ما به عدول از حد برمی‌گردد و آنهم در دو سوی مختلف. در بعضی موارد ما عجله‌های غیر ضرور کرده‌ایم و گاه نیز کندی و بی‌عملی داشته‌ایم. من اعتراف می‌کنم که من و هم‌زمانم همیشه موفق نشدیم که بهترین راه‌حل‌ها را پیدا کنیم ولی باید یادآوری کنم که خیلی چیزها نیز خارج از اراده‌ی ما بود. تحولات منفی بعدی که به تجزیه‌ی جمهوری‌های متحد انجامید دقیقاً به تأثیرات نیروهایی برمی‌گردد که همه‌ی معیارها را برهم زدند، به آنهایی که یا تلاش می‌کردند وضع قدیم و قدرت خود را به‌ره‌قیمتی حفظ کنند یا آنهایی که در صدد به قدرت رسیدن بودند.

از قتل این نمونه‌ها، عواقب تأثیرات یکی از مصیبت‌بارترین اشتیاق‌های بشری، یعنی قدرت‌طلبی، هر روزه بصورت‌های نوینی خود را نشان می‌دهند. قدرت‌طلبی هم اعضای کمیته‌ی اضطراری کشوری و هم پلستین را، بقیه در صفحه ۶

اما درس‌های سیاسی زندگی من چه بودند؟ اندیشمندان بزرگ سیاسی را در دانشگاه شناختم: ارسطو، ماکیاوولی، منتسکیو، لاک، جفرمن، چرنفسکی و طبعاً مارکس، انگلس و لنین. درس‌های این دانشمندان هر اندازه هم ارزشمند باشند موقعیت هر نسل مجدداً به این بستگی پیدا می‌کند که چه سان شعور خود را بکار گیرند. علاوه بر این شرایط زندگی مدام در تغییر است. مخصوصاً در زمان ما، زمانی که در آن تکنیک، شرایط تولید، مناسبات زندگی و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی تقریباً در هر ده ساله تغییر کرده‌اند و در آن خطر فجایع هسته‌ای و اکولوژیک یک واقعیت مسلم شده‌اند.

علیرغم مسائل جدید که طی پروسه‌های پیروسترویکا، دموکراتیزاسیون، اصلاحات سیاسی و اقتصادی خود را با آن مواجه می‌بینم مهمترین درس عبرتی که می‌گیریم به قدمت جهان است: اندازه نگه داشتن، یک ضرورت است. این را یونانیان قدیم به ما چنین آموزش داده‌اند: زیاده‌روی در هیچ چیز کارمان باقی مانده است و امروز نیز که دارم کتاب خاطرات را به پایان می‌رسانم به من از روسیه، از جمهوری‌های سابق شوروی، از کشورهای مختلف و اقصی نقاط جهان نامه می‌نویسند. مطالبی که در این نامه‌ها آمده‌اند حاکی از اطمینان کامل نویسندگان آنها به سربلند بیرون آمدن اصلاحات شروع شده در سال ۱۹۸۵ از امیتحان و بسارآوری مورد انتظار آن برای کشورم و همه‌ی جهان می‌باشند. آنها اغلب همدردی ساده و بی‌الایش‌شان را نسبت به همسر و من ابراز می‌کنند.

درس‌هایی از زندگی گارباجف

علیرغم مسائل جدید که طی پروسه‌های پیروسترویکا، دموکراتیزاسیون، اصلاحات سیاسی و اقتصادی خود را با آن مواجه می‌بینم مهمترین درس عبرتی که می‌گیریم به قدمت جهان است: اندازه نگه داشتن، یک ضرورت است. این را یونانیان قدیم به ما چنین آموزش داده‌اند: زیاده‌روی در هیچ چیز

اطرافیان من بودند هیچوقت خواستار وفاداری به خودم نبودم. بلکه منظورم خیانت به آرمانانم است. هیچ چیزی نفرت انسان را بیشتر از آدم‌های این‌وقت و سنگر عوض‌کن بر نمی‌انگیزد.

ولی این را هم می‌توانم بگویم که خیلی از افرادی که زندگی در چهار راه‌های عیدیه مسیر خود، من را در کنار آنها قرار داد پذیرای افکار من شدند و به من تمایل نشان دادند و مرا حمایت کردند. آری چنین بود زمانی که ما پروسترویکا را شروع کردیم و اکنون نیز چنین است چیزی که از مراحل بعدی

ائتلاف مجدد محافظه کاران و سوسیال دموکراتهای ترکیه



تانسو چیلر، نخست وزیر ترکیه

افراطی و یا بنیادگرایان سپرده شده است. از جمله امتیازات دیگری که چیلر داده است، برکناری رئیس پلیس استانبول است که در جریان کشتار طرفداران فرقه علوی در این شهر کارنامه سیاهی از خود به جای گذاشت.

دستمزدها را بیش از ۱۶ درصد افزایش دهد. اکنون گفته می شود بایکال اصرار دارد که دستمزدها ۵۰ درصد افزایش یابد. رهبران بزرگترین اتحادیه سندیکایی ترکیه اظهار امیدواری کرده اند که بازگشت سوسیال دموکراتها به دولت، زمینه ساز یک توافق عادلانه برای پایان دادن به اعتصاب ۱۱۳ هزار نفر کارکنان راه آهن، بنادر و صنایع دولتی شکر، نفت، فلزات، چوب و کاغذ باشد.

برخی ناظران می گویند افزایش نقش سوسیال دموکراتها در دولت، تأثیر مثبتی بر تلاش ها برای دموکراتیزه کردن ترکیه خواهد داشت. بایکال از هم اکنون گفته است سوسیال دموکراتها خواهان اشتغال پست وزارت آموزش و پرورش خواهند شد. با اینکه در ترکیه اکثریت معلمان از هواداران طیف سیاسی چپ محسوب می شوند، در دوره اول نخست وزیری چیلر بسیاری از پست های مدیریت به ناسیونالیست های

شود. در شرایط عادی، دوره قانونگذاری فعلی در ترکیه یک سال دیگر به پایان می رسد. قبل از انتصاب مجدد چیلر به ریاست دولت، رئیس جمهور همه سران احزاب عمده را به کاخ خود فرا خواند تا با آنها امکانات مختلف تشکیل دولت ائتلافی را بررسی کند. چیلر و بایکال رهبر سوسیال دموکراتها قبل از این دیدار با یکدیگر توافق کرده بودند که ائتلاف حاکم سه ساله ترکیه را تجدید کنند. به نوشته روزنامه جمهوریت، نخست وزیر ترکیه برای جلب همکاری حزب جمهورخواه خلق به این حزب امتیازاتی داده است که از جمله، افزایش حقوق کارکنان مؤسسات دولتی را شامل می شود. تاکنون چیلر علیرغم اعتصاب صدها هزار نفری بخش دولتی که هفته هاست ادامه دارد در برابر خواست افزایش دستمزد آنها مقاومت می کرد. در حالی که نرخ تورم ترکیه ۷۰ درصد است، دولت چیلر حاضر نبود

در حالی که به دنبال شکست تانسو چیلر نخست وزیر ترکیه در به دست آوردن رای اعتماد پارلمان، انتظار می رفت که پارلمان منحل شود و انتخابات زودرس برگزار گردد، حزب محافظه کار راه راست چیلر توانست موافقت حزب سوسیال دموکرات جمهورخواه خلق را برای بازگشت به سیاست ائتلاف جلب کند. به دنبال ملاقات رهبران دو حزب و اعلام این توافق، سلیمان دمیرل رئیس جمهور از حزب "راه راست" بار دیگر چیلر را مأمور تشکیل کابینه کرد. همزمان با بحران کابینه ترکیه، اتحادیه های کارگری این کشور تظاهرات گسترده ای علیه سیاست های اقتصادی دولت چیلر ترتیب دادند.

سلیمان دمیرل علیرغم سپردن مجدد مسئولیت دولت به چیلر، اظهار امیدواری کرد که نخست وزیر هر چه زودتر ترتیب برگزاری انتخابات پیش رس پارلمان را بدهد تا شرایط سیاسی باثباتی ایجاد

«دست آهنین» حکومت بنیادگرایان در سودان

اسلامی وعظ می کنند. تشنج در روابط خارجی سودان به همسایگان این کشور محدود نمی شود. تونس روابط دیپلماتیک خود را با سودان قطع کرده و الجزایر، سفیر خود را از خارطوم فرا خوانده است. در سوماتی نیروهای ژنرال عیدید با حمایت سودان در جنگ داخلی حوزه نفوذ خود را گسترش داده اند. تانزانیا دو مبلغ سودانی را که اقلیت مسلمان این کشور را علیه هموطنان مسیحی شان برانگیخته بودند، اخراج کرده است. حتی روابط سودان با زیمبابوه نیز که هزاران کیلومتر با آن فاصله دارد، تیره است و زیمبابوه از شورشیان جنوب سودان حمایت سیاسی می کند.

همه این کشورها و بسیاری دیگر می گویند در سودان اردوگاه هایی برپاست که در آن، پاسداران ایرانی به افراطیون اسلامی از ملیت های مختلف آموزش نظامی می دهند. جمهوری اسلامی به سودان کمک مالی نیز می کند. سودان از چین مدرن ترین هواپیماهای جنگی چینی را خریداری کرده است. نفت عراق مخفیانه از طریق ایران به سودان می رسد. صدام حسین از

در دانشگاه شدند که قرار بود در حضور جمعی از سفرا ایراد گردد. در عرصه بین المللی نیز سودان به شدت منزوی است. این وسیع ترین کشور آفریقا، با ۹ کشور دیگر مرز زمینی و با دو کشور (عریستان و یمن) مرز آبی دارد. روابط تقریباً همه این کشورها با سودان تیره است. سودان به بنیادگرایان مصری پناه و اسلحه می دهد. دو کشور بر سر یک منطقه ساحلی در کنار دریای سرخ نیز اختلاف دارند و یک بار درگیری مرزی مختصری نیز روی داده است. اتیوپی می گوید شورشیان اورومو، دومین قوم بزرگ ساکن اتیوپی که بر خلاف اکثریت مسیحی ترکیب دولت آدیس آبابا، مسلمانند، مورد حمایت خارطوم قرار دارند. همچنین اتیوپی خواهان تحویل دادن سه مصری است که در آدیس آبابا به سمت حسنی مبارک رئیس جمهور مصر تیراندازی کردند و دولت اتیوپی مدعی است به سودان گریخته اند.

ارتره مناسبات دیپلماتیک خود با سودان را قطع کرده و به سازمان ملل و سازمان وحدت آفریقا بابت نقش سودان در برانگیختن شورش افراطیون اسلامی شکایت برده است. کنیا به جنبش رهایی بخش خلق سودان که در جنوب این کشور علیه رژیم خارطوم می جنگد، اجازه داده است که در نایروبی دفتری داشته باشد. در مقابل، سودان از حزب اسلامی کنیا حمایت می کند. رهبر تبعیدی این حزب غالباً در خارطوم به سر می برد. روابط دیپلماتیک اوگاندا و سودان نیز قطع شده است و این دو کشور درگیر یک جنگ مرزی اند. موسه وینی رئیس جمهور اوگاندا با جان کارانگ رهبر شورشیان جنوب سودان دوستی دیرینه دارد و این شورشیان که از یک سال پیش ناچار به عقب نشینی شده اند، در خاک اوگاندا مستقرند. متقابلاً خارطوم از فرقه ای در اوگاندا حمایت می کند که بخشی از شمال این کشور را ویران کرده است. چاد، همسایه غربی سودان از مبلغان مذهبی اعزامی از سوی خارطوم شاکي است که به نفع دولت واحد

ماه گذشته سودان که در کنار جمهوری اسلامی به عنوان دومین کشور تحت حکومت بنیادگرایان اسلامی شناخته شده است، شاهد تظاهراتی علیه گرانی بود که با تظاهرات دانشجویی علیه دیکتاتوری درهم آمیخت. افزایش ۲۵ درصدی بهای نان، و اندکی پس از آن، دستگیری تعدادی از دانشجویان مخالف رژیم، به چند روز درگیری خیابانی بین مخالفان و نیروهای دولتی انجامید. رژیم سپس برای آرام کردن اوضاع، چند زندانی سیاسی، از جمله صادق المهدی نخست وزیر سرنگون شده در کودتای ۱۳۶۸ را که رهبر فرقه انصار، دومین فرقه بزرگ سودان نیز هست، از زندان آزاد کرد. مهدی به محض آزادی اعلام کرد که «این آخرین تظاهرات نخواهد بود».

در مقابل، ژنرال عمر البشیر دیکتاتور نظامی سودان تظاهراتی از طرفداران خود ترتیب داد و در این تظاهرات با لحن ستیزه جویانه ای که بیشتر مناسب اوایش خیابانی بود تا یک رئیس کشور، اپوزیسیون را خطاب قرار داد و گفت اگر جرات دارید «پسر بچه و دانشجو» را جلو نیندازید، خودتان اسلحه به دست بگیرید تا ببینیم چند مرده حلاجید! در این تظاهرات، حزب بنیادگرای «جبهه ملی اسلامی» که معمولاً ابزار کارشان چماق است، مسلسل به دست داشتند.

رژیم بنیادگرایان در سودان نیز مانند ایران با روند انزوای روزافزون روبرو است. عبدالوهاب الافندی روزنامه نگاری که زمانی مهم ترین قلمزن جنبش بنیادگرایان محسوب می شد، اکنون به مخالفان پیوسته است. دانشگاه که در طول دو دهه، مرکز نفوذ بنیادگرایان بود و افراطیون اسلامی در آن در هر انتخابات دانشجویی برنده می شدند، اکنون محل تجمع مخالفان است. از هنگام روی کار آمدن بنیادگرایان در شش سال پیش، تعداد فزاینده ای از دانشجویان، به «جبهه ملی اسلامی» پشت کرده اند. سه سال پیش یک بار تظاهرات و درگیری گسترده ای بین دانشجویان مخالف و پلیس به وقوع پیوست. در مرداد ماه امسال، دانشجویان مانع برگزاری یک سخنرانی ژنرال بشیر

هفته گذشته یلتسین رئیس جمهور روسیه ظرف ۲۴ ساعت، یک بار اعلام کرد آندره کوزیرف وزیر خارجه را برکنار خواهد کرد و بار دوم این تصمیم را پس گرفت. روز پنجشنبه ۲۷ مهرماه رئیس جمهور روسیه در آستانه سفرش به فرانسه و سپس آمریکا ملاقاتی با جمعی از خبرنگاران روسیه و این کشورها داشت. یلتسین در برابر دوربین های تلویزیونی که این تصاویر حیرت آور را به سراسر جهان به عنوان نقطه عطف در سیاست خارجی روسیه تلقی شد: کسرملین از کار وزارت خارجه ناراضی است و وزیر خارجه به محض یافتن یک «جانشین لایق» برکنار خواهد شد. به محض اینکه این خبر در رسانه های گروهی انتشار یافت، مفسران و ناظران به ویژه در غرب برداشتهای بدبینانه ای از این اظهارات یلتسین ابراز کردند که فحواي کلام همه آنها مشترک بود: ناتوانی کوزیرف در دفاع از منافع روسیه علیه پیوستن کشورهای اروپای شرقی به ناتو و

کشتار داخلی خود را از حمایت اسلحه، قدردانی خود را از حمایت سودان در جریان جنگ کویت ابراز می دارد. دولت ژنرال بشیر در سودان با دستی آهنین حکومت می کند. از افسران ارتش بازنیسته یا دستگیر شده و برخی از آنها زیر شکنجه به قتل رسیده اند. صدها افسر به خارج از سودان گریخته اند. بی اعتمادی بنیادگرایان به بدنه ارتش باعث شده است که نیرویی مانند بسجج جمهوری اسلامی ایجاد کنند. این نیرو که «دفاع مردمی» نام دارد، در جنگ داخلی جنوب سودان فعال است.

قتل یک روزنامه نگار زن در الجزایر

سعيدة جبیلی روزنامه نگار زن ۲۷ ساله الجزایری و راننده ۲۳ ساله او هفته گذشته در راه محل کار به خانه این روزنامه نگار، هدف گلوله قرار گرفتند و کشته شدند. این روزنامه نگار که عضو هیأت تحریریه روزنامه «الحیات العربی» بود، به پنجمن عضو جامعه روزنامه نگاران این کشور است که از هنگام آغاز موج ترور علیه روزنامه نگاران در دو سال پیش، به

قتل می رسد. مقامات امنیتی الجزایر، این ترورها را به گروه های بنیادگرای اسلامی نسبت می دهند. سازمان تروریستی "گروه های مسلح اسلامی" قبلاً به روزنامه نگاران اتمام حجت کرده بود که حداکثر تا ۲۴ شهریورماه به کار خود پایان دهند. موج ترور، علاوه بر روزنامه نگاران سایر گردندگان مطبوعات را نیز در بر می گیرد.

لیبی فلسطینی ها را اخراج می کند

دولت لیبی به هزاران فلسطینی ساکن این کشور گفته است که باید لیبی را ترک کنند. اولین گروه از این فلسطینی های اخراجی که تعدادشان به صدها نفر بالغ می شود با کشتی از لیبی اخراج شده اند و در

دریای مدیترانه سرگردانند. معلوم نیست این عده را چه کشوری خواهد پذیرفت. علتی که لیبی برای اخراج فلسطینی ها اعلام کرده است، قسراً داد خودمختاری فلسطینی ها و اسرائیل است.

توافق اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق

عمده حل مسالمت آمیز اختلافات و اجرای توافق حاصل شد، در کردستان هستند.

بسیار خودمختاری و حل مسالمت آمیز اختلافات کردستان نه تنها ترکیه و عراق، بلکه سوریه و جمهوری اسلامی هم مخالف هستند. آنان به صراحت اعلام کرده اند که حکومت خودمختار را به رسمیت نمی شناسند و برای سرکوب مردم کردستان حاضرند عملیات مشترک انجام دهند. جمهوری اسلامی تلاش می کند با دخالت در روند گفتگوها از آن به عنوان وسیله فشار در مقابل بغداد و کنترل تحولات کردستان ایران استفاده کند.

مناطق کردنشین عراق پس از پایان جنگ خلیج فارس در سال ۹۱، به عنوان یک منطقه خودمختار اعلام شد و این امیدواری بوجود آمد که کردها بتوانند دست در دست هم بر مشکلات غلبه کنند اما حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه مذهبی به جای همکاری سازنده در کردستان، بر سر کسب قدرت در منطقه وارد درگیری طولانی و پیهوده شدند. درگیری مسلحانه دو نیروی عمده کردستان عراق تا یازدهم ماه اوت سال جاری ادامه داشت. از روز یازدهم ماه اوت آتش بس موقت اعلام شد و گفتوهای نمایندگان طرفین برای حل مسالمت آمیز اختلافات آغاز گردید. در ماه سپتامبر مسعود بارزانی و جلال طالبانی در دویلین دیدار کردند. این دیدار چندان نمربخش نبود. ملاقات آنان چند هفته بعد در تهران تجدید شد و از سوی طرفین هیات هایی برای تنظیم سند توافق تعیین گردید. توافق برای برگزاری انتخابات پارلمانی بخشی از روند صلح در کردستان عراق و گام نخستین در آن جهت است.

آیا یلتسین هنوز بر اعمال خود مسلط است؟

کنار زده شدن مسکو از تحولات ساسی بالکان، باعث شده است که یلتسین تحت فشار اپوزیسیون کمونیست و ناسیونالیست در پارلمان، کوزیرف را برکنار کند.

هنوز مرکب چاپ این تفسیرها خشک نشده بود که یلتسین بار دیگر دنیا را دچار حیرت کرد. وی در فرودگاه مسکو قبل از اینکه بازو در بازوی وزیر خارجه به سمت هواپیمای عازم فرانسه برود، به خبرنگاران گفت از برکناری کوزیرف منصرف شده است و تنها به معاونان وزیر خارجه یک نفر اضافه خواهد کرد که کار این وزارتخانه را بهتر سازماندهی کند.

اگر یلتسین، مانند بوکاسا و عیدی امین رئیس جمهور یک کشور کوچک آفریقایی می بود، شاید می شد حرکات عجیب و بی ثباتی های گفتاری و رفتاری اش را در صفحات غمگین روزنامه ها برای سرگرمی خوانندگان نوشت، اما رئیس جمهور روسیه، فرمانده کل دومین قدرت نظامی و اتمی جهان است. او رهبر کشوری است که زمانی یکی از دو «ابر قدرت» بود. دیگر آن دوران گذشته است که یک تزار مست در کرملین، حداکثر فاجعه ای که می توانست به بار آورد تصفیه درباریان بود. یلتسین نه تنها با امنیت کشورش، بلکه با ثبات بین المللی بازی می کند.

نمایندگان اتحادیه میهنی کردستان عراق و حزب دمکرات کردستان این کشور پس از ماهها درگیری، توافق کردند که در مناطق کردنشین شمال عراق انتخابات پارلمانی برگزار کنند و اداره کردستان را به نمایندگان مردم بسپارند.

توافق نمایندگان اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق هفته گذشته در تهران حاصل شد. دکتر «قوام معصوم» رئیس هیأت نمایندگی اتحادیه میهنی کردستان عراق روز دوشنبه در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: این اتحادیه و حزب دمکرات کردستان عراق در مذاکرات خود در تهران در مورد برگزاری انتخابات پارلمانی و کاستن از نفرات مسلح طرفین درگیر در کردستان عراق به توافق کامل دست یافتند.

وی افزود: طرفین تاریخ دقیق برگزاری انتخابات پارلمانی را برای اداره جدید کردستان عراق تعیین کرده اند و پذیرفتند که قوای مسلح خود را در آن منطقه کم کنند.

بنا به توافق حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی، زمان برگزاری انتخابات مجلس اردیبهشت سال آینده تعیین شده است. طرفین توافق کرده اند نتایج انتخابات را هر چه باشد، بپذیرند. طبق اظهارات «قوام معصوم» هیچ ناظر رسمی از داخل و خارج برای نظارت بر حسن برگزاری انتخابات دعوت نخواهد شد اما حضور خبرنگاران داخلی و خارجی آزاد خواهد بود.

رئیس هیأت نمایندگی اتحادیه مذهبی تأکید کرد که این اتحادیه و حزب دمکرات کردستان عراق هنوز در مواردی اختلاف نظر دارند که قرار شد در مذاکرات آینده مورد بحث و بررسی قرار گیرد. از نظر «قوام معصوم» ترکیه و عراق مانع